

زبان مردم طهران

گردآوری:
دکتر منوچهر ستوده

با همکاری:
شیرین دواتی کاظم‌نیا



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : زبان مردم طهران / گردآوری منوچهر ستوده؛ با همکاری شیرین دواتی کاظم‌نیا؛ به سعی اسدالله کفافی.
مشخصات نشر : تهران، کتاب رهنما، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۵۹۴ ص.
شابک : 978-600-91185-5-7
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع : تهرانی
موضوع : فارسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع : اصطلاح‌ها و تعبیرها - ایران - تهران
شناسه افزوده : دواتی کاظم‌نیا، شیرین
شناسه افزوده : کفافی، اسدالله
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۹ ۲ س ۸۳ ت / PIR ۳۰۲۴
رده‌بندی دیویی : ۴۶۹
شماره کتاب‌شناسی ملی : ۳۰۳۶۴۳۳



کتاب‌خانه ملی

زبان مردم طهران

گردآورنده: دکتر منوچهر ستوده
ویراستار مقدمه: تکتم صابری اشرفی
دبیر اجرایی: ساله شریفی
ناشر: کتاب رهنما
حروفچینی: شبستری
چاپ: کیان پارس
چاپ اول: ۱۳۹۳
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
تلفن مرکز پخش: ۸۷۷۴۱۰۰۰
تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

تحقیق در بخشی از محله

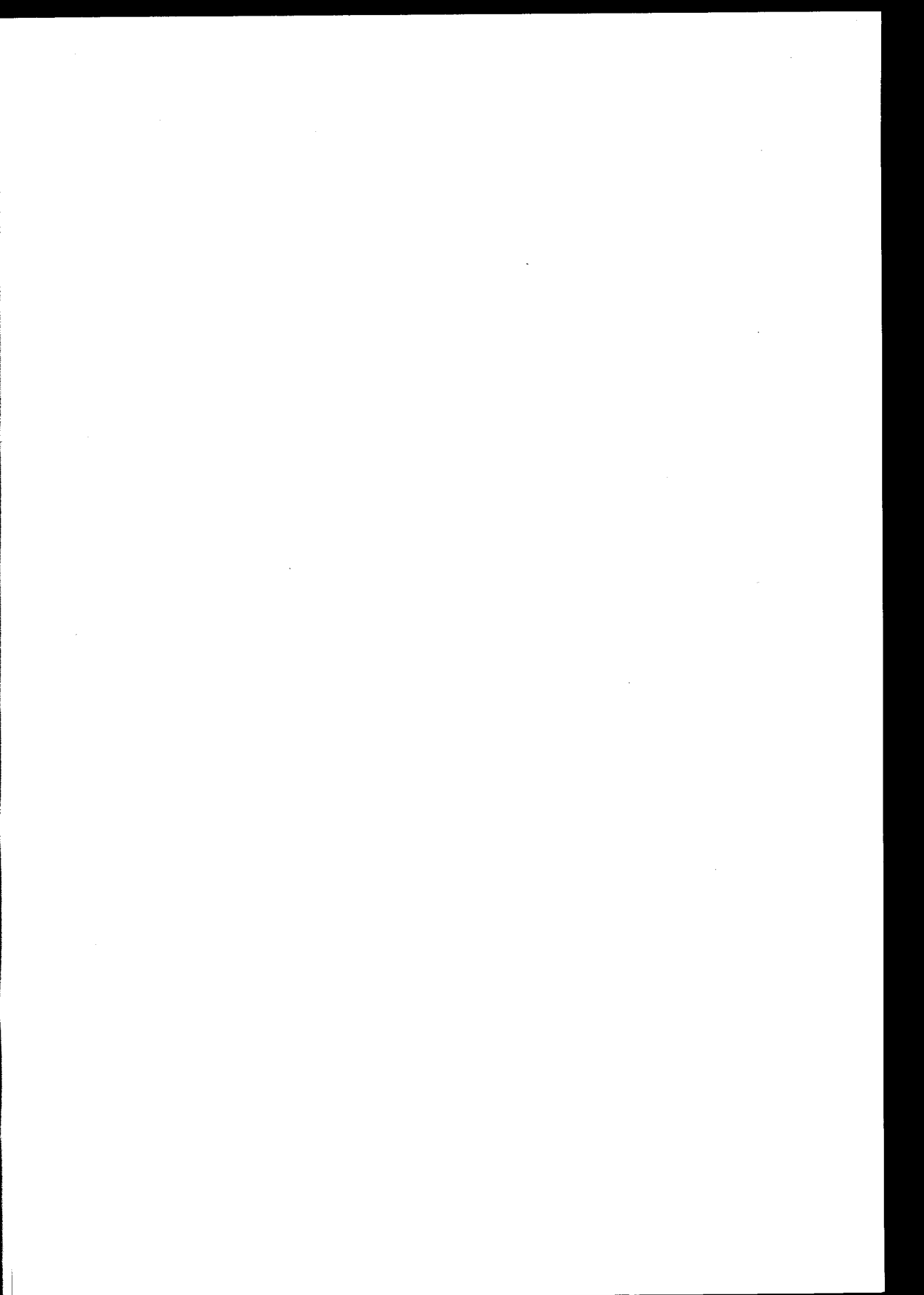
عودلاجان

به راهنمایی

استاد معظم جناب آقای

دکتر منوچهر ستوده

به سعی: اسدالله کفافی



زبان مردم طهران^۱

زبان مردم طهران و دولاب و دهکده‌های دامنه جنوبی توچال که شمیران باشد تا دره وردیج و واریش و ورکه وایکسان بوده است. این زبان از شرق به رشته کوه‌های سه پایه و از شمال به رشته توچال و از غرب تا دره وردیج و واریش و ورکه و از جنوب به شهر آباد و معمور جهان یعنی ری خاتمه پیدا می‌کند. ری قدیم که در این محدوده قرار می‌گیرد زبانی دفتری و دیوانی داشته و از مدار این دهکده‌ها بیرون است رویهم رفته این زبان را باید زبان یا لهجه شمیرانی خواند. از اشعار بازمانده از زبان شمیرانی نظیر:

خورشید خانم افتو کن	یه مشت برنج تو او کن
سحر پاشو پلو کن	ما بخوریم تو خو کن
ما بچه‌های گُردیم	از سرمایِ بمُردیم

یادم است از منزل مادری که متصل به سرتون حموم نواب بود به بازار سرچشمه که دکان رزازی دایی مخلص در آنجا بود می‌رفتم. دایی که احساس می‌کرد مزاحمی پیدا شده می‌گفت: دمنوچهرخان بیا این صنارو بسونو برو خونه. صد دینار به من می‌داد و رفع مزاحم می‌کرد.

مادر بزرگ بنده برای انذارو تحذیر ما می‌گفت: «مارون کنند، رودون کُشند» یعنی والدین کارایی را انجام می‌دهند که نباید انجام دهند، در نتیجه فرزندان آنان باید جوابگوی اعمال آنان باشند.

یا می‌گفت: «کرده‌ها پشیمون-نکرده‌ها آزمون» یعنی مردم از کرده‌های خود پشیمان هستند و آنان که کاری نکرده‌اند آرزوی انجام آن را دارند.

۱. واژه طهران در اولین فرهنگستان تشکیل شده در سال ۱۳۱۵، به تهران تغییر یافت. در کتابهای تاریخ، رمان و... قبل از ۱۳۱۵ طهران نوشته می‌شود و بعد از آن تهران.

در کوچه و خیابان مستراحهای عمومی وجود نداشت و مردان مجبور می شدند کنار کوچه ادرار کنند. از این شاشگاهها بوی تند ادرار در فضا پراکنده بود و دماغ را آزرده می کرد. این بو را مردم آن روزگار «چرتیزه» می گفتند. این واژه امروز مرده است.

یا در آخر بازی «اتل متل» می گفتند: «هاچین و واچین - یه پات و ورچین». دو واژه «هاچین» و «واچین» امروز به کار نمی رود.

مرحوم ایرج میرزا با طبعی روان و سرودن ابیاتی آبدار متوجه زبان گفتاری مردم طهران شده است. او می گوید: «به علی من گرتم شیوه گفتار کنم». این بیشتر شیوه گفتار «چاله میدانیهاست».



خانه مادری من در محله «سرتخت» کوچه حمام نواب بود. این اراضی جزء «باغ پسته (= پسته) بک» بود که کم کم تبدیل به خانه و دکان و بازارچه شده بود. برای شناسایی این منطقه هنگامی که در دانشکده الهیات و معارف اسلامی جغرافیای تاریخی تدریس می کردم به یکی از شاگردان خود - اسدالله کفافی - گفتم که همّت نموده و مطالب روی زمین ریخته را گردآوری کند و روی کاغذ بیاورد و به خانه ها و دکانها و مساجد و تکیه ها و سایر بناهای عمومی بپردازد و شرحی درباره هر یک بنویسد.

نامبرده این تکلیف را پذیرفت و به خوبی از عهده انجام آن برآمد. چون در دوران تدریس من بهترین رساله ای بود که در این زمینه تهیه شده بود در این مقدمه گنجاندم تا راهنمای شاگردان دیگر باشد.

منوچهر ستوده

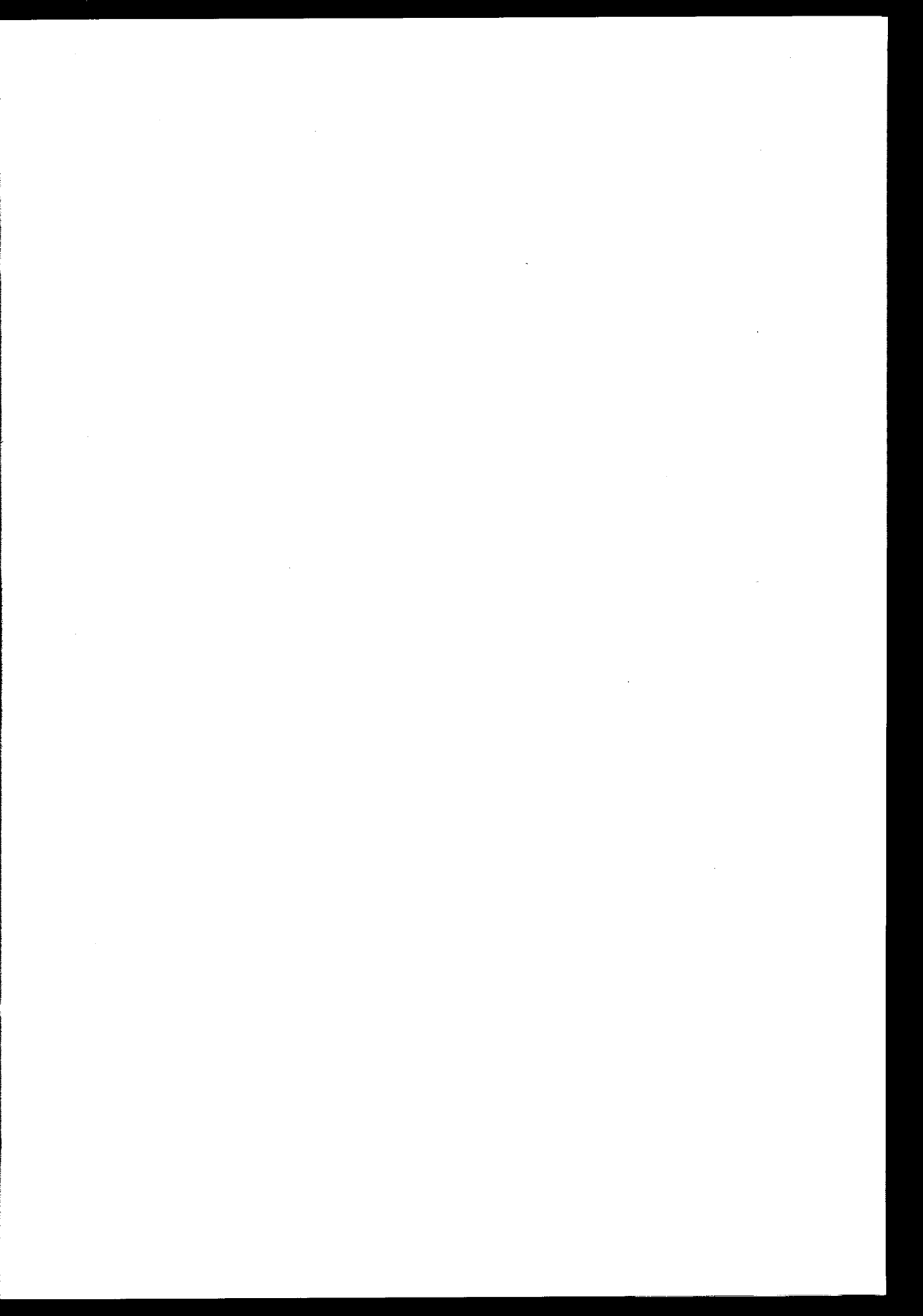
مقدمه

دندانۀ هر قصری پندی دهدت نو نو
پند سر دندانۀ بشنو ز بن دندان

انسان به گذشته خود توجه دارد، حیوان گذشته‌ای برای خود نمی‌شناسد، این امتیازی است برای انسان و فرقی است مابین انسان و حیوان.

در این جزوه مختصر بخشی از محله عودلاجان (به زبان اهالی محله، ألاجون) تهران را معرفی نموده‌ام. اتکای من در این تحقیق بیش از آنکه به اسناد مکتوب باشد به حقایق عینی بوده است. کوچه‌های آن را به قدم پیموده‌ام آبادیهای آن را به چشم دیده. شاید که بتوانم مسموعات را بدل به محسوسات سازم و شنیده‌ها را تبدیل به دیده‌ها نمایم. با کمال عجز به قصور خود در این کار معترفم، چه تنگی مجال این فرصت را به من نداد که از تاریکیهای قرون صدای پای اسبان، زنگ شتران، کوچه‌باغیهای شبگردان، یاهوی درویشان، لالایی مادران و زمزمه قصه‌های مادر بزرگها را، قصه‌های تلخ و شیرین را، افسانه‌های رؤیا آور را و حقایق زندگیها را بر صفحه کاغذ بیاورم. این کار من از یک تحقیق آماری تجاوز نکرده است. امید است که با تمام نقصها و معایب خود نماینده راهی برای آیندگان و شاید خود من در تحقیقات آینده باشد و راهنمایی استاد گرامی چراغ هدایتی پیش پای من نهاد.

من الله التوفیق و علیه التکلان



تهران در گذشته و حال

اگرچه عنوان این مقدمه ممکن است ما را از مسیر تحقیق خود که درباره قسمتی از محله عودلاجان بزرگ محدود شده است دور کند، مع هذا باید قبول کرد که این محله جزئی است از یک کل که اکثر مصادیق این کل در جزء نیز صادق و موجود است. وقتی صحبت از فاصله شهری از دریا یا درجه حرارت و یا حد متوسط بارندگی می شود طبعاً این عوارض تمام محلات شهر را نیز دربر می گیرد. از طرفی توجه به یک منظره با دید وسیعتر و زاویه ای بازتر اغلب ارزش جزئیات موجود در آن منظره را بیشتر نمایان می سازد و به فکر و ذهن آمادگی بیشتری در پذیرش جزئیات و رسوخ آنها در مغز می دهد. اینک شایسته است نظری به تهران از ایام قدیم تا امروز بیفکنیم و به اختصار تمام موقعیت و اثر جای پای زمان را در گذرها و کوچه های آن تماشاکنیم.

تهران با ارتفاع ۱,۱۶۰ متر از سطح دریا، واقع بر حاشیه شمالی فلات مرکزی ایران، به فاصله ۱۶ کیلومتری جنوب سلسله البرز و ۱۱۲ (یا ۱۱۰) کیلومتری (خط مستقیم) دریای خزر؛ امروز مرکز سیاسی، اقتصادی، اداری و مرکز خطوط آهن و راهها و شاهراههای عمده کشور است. دمای متوسط ۱۶ و ۰/۴ درجه سانتیگراد و حداکثر آن ۴۲/۳+ درجه و حداقل آن ۲۰/۳- است و به علت وجود سلسله البرز که سدّ عظیمی میان دریای خزر و فلات مرکزی است جلگه تهران از رطوبت آن دریا به هیچ وجه استفاده نمی کند. از راه چالوس با طی دویست کیلومتر می توان از تهران به دریای خزر رسید. تهران از حیث آب و هوا تحت تأثیر عوامل قاره ای است. این منطقه دارای آب و هوایی است خشک با تابستانهای گرم و سوزان و زمستانهایی نسبتاً سرد. ولی رشته جبال البرز در شمال تهران امتیاز خاصی از حیث آب و هوا به این شهر می بخشد. تهران از سمت جنوب پس از ورامین و غار و فشاپویه به قسمتی از کویر نمک محدود می شود که به ویژه در تابستانها درجه حرارت آن بسیار سوزان و غیر قابل تحمل است. از دو سمت قلّه کلون بستک واقع در ۳۸ کیلومتری شمال تهران به خط مستقیم

دو رود کوچک که بزرگ‌ترین رودهای ناحیه تهران است سرازیر می‌شود رشته شرقی جاجرود نام دارد و رشته غربی کرج - این دو رود در جنوب جلگه تهران در غرب ورامین به هم می‌پیوندند و پس از طی مسافت کوتاهی مرتع وسیع قرق‌سیف را که محل ایلخی ارتش است در جنوب کوه‌های مبارکیه و سیاه‌کوه مشروب می‌نمایند و هنگام بهار باقیمانده آب آن به مسیله‌ای در شمال دریای نمک می‌رود در داخل این دو رود بزرگ انهارى وجود دارند که در فصل بهار دارای آب بیشتری بوده و در تابستان غالباً کم آب هستند عبارتند از: رود کن، آب یونجه‌زار، آب چشمه کفو (کف آب) که از هفت حوض درکه و اوین می‌گذرد، آب درّه پس قلعه و دریند، آب درّه امامزاده قاسم، آب باریک کمیزدره که به تجریش می‌آید و آب درّه شمالی شاه‌آباد. قله دماوند در شمال شرقی تهران که همیشه پوشیده از برف است ابهت و جلال خاصی به تهران می‌بخشد. طبق آخرین اندازه‌گیری که توسط هیئت‌های آمریکایی در سال ۱۹۵۳ میلادی به عمل آمده، ارتفاع این قله بالغ بر ۱۸,۹۳۴ فوت می‌باشد.

وجود بقایای درختان و بوته‌های جنگلی در دامنه جبال البرز ثابت می‌کند که در ازمنه سابق این دامنه بیش از حالا سبز و خرم بوده و به همین جهت از مدتها پیش در این محل آبادی وجود داشته است، ویتران گفت «تهران» ولو به صورت یک قریه کوچک از زمان قدیم زندگی خود را آغاز کرده است اولین کسی که از تهران اسم برده است ابواسحق استخری است که در مسالک الممالک (چاپ لیدن صفحه ۲۰۹) - تألیف در حدود سنه ۳۴۰ هجری قمری - در متن کتاب نام بهزان را از قراء ری ذکر کرده است. در کتب قرن ششم نخستین کتابی که نام تهران در آن دیده می‌شود فارسنامه ابن البلخی است «... و همه میوه‌های آنجا به غایت نیکوست خاصه انار که مانند انار تهرانی است...» (ص ۱۳۴). ابن اسفندیار در تاریخ طبرستان - تألیف در سنه ۶۱۳ - گوید: «افراسیاب آنجا که طهران و دولاب است لشکرگاه کرد...» یا قوت حموی در معجم البلدان - تألیف سال ۶۲۱ - می‌نویسد: «طهران به کسر و سپس به سکون را و آخر آن نون و این لغت عجیبی است و آنان آن را تهران با «ت» می‌گویند زیرا حرف «ط» در زبان آنان نیست، از قراء ری است. صادق نامی اهل ری مرا گفت که طهران قریه بزرگی است که زیر زمین ساخته شده و راهی به هیچ‌یک از آنان نیست مگر به خواست خود آنان... طهران دارای باغهای زیادی است که به هم راه دارند و همین نیز اسباب حراست اهالی و دفع دشمن از ایشان است...»

غیر از علمای مذکور کسان دیگری نیز در کتب و آثار خود از تهران نام برده‌اند مانند زکریا بن محمود بن محمد قزوینی در آثار البلاد - تألیف سنه ۶۷۴ و حمدالله مستوفی در نزهة القلوب تألیف سنه ۷۴۰، کلاویخو در سفرنامه خود سفیر هانری سوم پادشاه کاستیل در

شرح سفارت و سیاحت خود. مجدالدین محمدالحسین اصفهانی در زینةالمجالس - تألیف سنه ۱۰۰۴ - پیترو دولواله که از سنه ۱۰۲۸ تا ۱۰۳۲ هجری در ایران سفر کرده در سیاحت‌نامه خود و مرحوم سید احمد کسروی در معنی واژه تهران به این نتیجه رسیده که تهران به معنی جای گرم و شمیران جای سرد است.

تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد تهران از زمان صفویه مورد توجه واقع شده است. آبادی سه بقعه سید اسماعیل، امامزاده یحیی، امامزاده زید، دلیلی بر این امر تواند بود که تهران پیش از برقراری سلسله صفوی هم از مراکز رواج تشیع در ایران بوده است از قراین برمی آید که قدیم‌ترین محلات شهر نواحی مجاور بقعه سید اسماعیل تا حوالی بازار آهنگرها در قسمت جنوب شرقی شهر قدیم و از محله چالمیدان از یک طرف و بین بقعه‌های سید اسماعیل و امامزاده یحیی در قسمت شرقی شهر قدیم در محله عودلاجان از طرف دیگر بوده است. نام زیارتگاه چهل تن و کوچه آن در بازار بین سید اسماعیل و سه راه آهنگران، قدیم‌تر از عهد صفوی به نظر می‌رسد.

تهران در عصر صفوی

از چگونگی محلات و موقعیت آنها در عهد صفوی چنین برمی آید که قسمت مغرب و شمال غربی شهر از محله شهر داخل باروی عهد شاه طهماسب غالباً باغستان بوده و خانه‌های مسکونی بیشتر در عودلاجان و چالمیدان قرار داشته است. در اینجا ضروری به نظر می‌رسد که توضیحی درباره باروی عهد شاه طهماسب داده شود. شاه طهماسب صفوی که پایتختش قزوین بود برای زیارت مرقد سید حمزه به ری رفت و آمد می‌کرد و گاهی برای شکار به حدود تهران می‌آمد - تهران به واسطه خوشگواری آب آشامیدنی و وفور آن و باغات و اشجار زیاد، برای اولین بار مورد توجه شاه طهماسب واقع شد - او در سنه ۹۶۱ هجری فرمان داد بارویی دور تهران بنا نمودند که شش هزار گام دوره آن بود. ۱۱۴ برج برای آن ساختند و در هر برج یک سوره از قرآن مجید را دفن کردند. چهار دروازه در این بارو قرار دادند که با جهات اصلی تطبیق می‌کرد، دور بارو خندقی احداث کردند که به اراضی شن‌زار اتصال داشت. برای ساختن بارو و برجها از دو محل خاک برداشتند که یکی به چالمیدان و دیگری به چال‌حصار معروف شد و اکنون هر دو محل در داخل شهر فعلی تهران قرار دارند. به دستور شاه عباس کبیر در ۹۹۸ هجری باغی در تهران احداث کردند موسوم به چهارباغ و بعداً به دستور شاه سلیمان صفوی عمارتی در آن ساخته شد. کریمخان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ قمری) در سال ۱۱۷۱ در همان عمارت چهارباغ به تخت شاهی نشست. آقامحمدخان قاجار

پس از فتح تهران در نوروز سال ۱۲۰۰ ه.ق در این شهر به تخت نشست و از همان وقت این شهر را دارالخلافه خواند و پایتخت سلسله قاجاریه شد و در واقع آغاز اهمیت این شهر را از همین تاریخ باید حساب کرد. آقامحمدخان این محل را از یک طرف به جهت نزدیک بودنش به ترکمن صحرا (مرکز ایل قاجار) و از طرف دیگر برای سهولت دسترسی آن به نواحی شرقی که بقایای افشاریه در آن حکومت داشتند و نواحی غربی و قفقاز که دچار تحریکات دولت تزاری روسیه بود؛ به پایتختی انتخاب کرده بود. او برای توسعه و آبادانی و ازدیاد جمعیت شهر کوشش زیادی کرد.

در زمان فتحعلی شاه ابنیه دیگری در تهران ساخته شد. در دوره ناصرالدین شاه در سنه ۱۲۸۴ قمری تصمیم گرفته شد شهر تهران را از شمال ۱،۸۰۰ ذرع و از سه جانب دیگر هر طرف یک هزار ذرع وسعت دهند. باروی شاه طهماسبی را خراب و با خاک آن خندق دور بارو را پر کردند و خندق جدیدی از روی نقشه خندق پاریس حفر گردید. و دور تا دور خندق سیزده دروازه ساخته شد ساختمان این خندق و دروازه‌ها در سال ۱۲۹۱ ه.ق. به اتمام رسید. اما داخل شهر، در نواحی شمال شرقی که هنوز خانه‌ها و کوچه‌ها در آن به وجود نیامده بود به سرعت آباد شد و کوچه‌ها و خانه‌ها به نام شخصیت‌های مختلف دوران ناصری در آن محل احداث گردید. محله عربها، پامنار، سرچشمه و سرتخت در جنوب خیابان امیرکبیر فعلی نمودار این امر است.

در عهد پهلوی تا حدود سال ۱۳۱۰ شمسی این خندق و دروازه‌ها وجود داشتند. اما در همان سالها خندق را پر کرده و دروازه‌ها را که دارای کاشیکاری و نقشهای زیبایی بود خراب کردند و شهر از اطراف رو به توسعه گذاشت تا به امروز که بی هیچ نقشه و حسابی و بدون هیچ حد و حدودی در حال توسعه و پیشروی است. تهران بزرگ امروز مشتمل بر شهر قدیمی تهران، تهران نو، تهران پارس، نارمک، یوسف آباد، دریان نو، شهر آرا، امیرآباد، کوی کن، آریاشهر، تهران ویلا، جوادیه، نازی آباد، کوی نهم آباد، کوی مهرآباد، بیسیم نجف آباد، دولا ب، کوی فرح آباد، نیروی هوایی، وحیدیه، امامیه، بیسیم پهلوی، عباس آباد و مانند اینهاست.

به طور کلی در عصر پهلوی قیافه تهران به کلی دگرگون شد، و آن شهر قدیمی به شهری مدرن و بزرگ مبدل گردید. در عهد سلطنت رضاشاه، نهضت توسعه بیشتر شهر تهران و تبدیل اراضی کنار شهر به ساختمانها و محلات و خیابانهای تازه شروع شد.

در عهد محمد رضاشاه در زمینه گزینش فعالیت‌های ساختمانی مانند همه شئون دیگر این پیشروی با سرعت بیشتری ادامه داشت و ایران به سوی آینده‌ای امیدبخش و روشن پیش می‌رفت.

ساختمان منازل و کوچه‌های عودلاجان شرقی

سلیقه مردم در خانه‌سازی و بنای مسکن در طی بیست سال اخیر و حتی از عهد پهلوی به مراتب تغییر کرده است، تهران به سرعت مدرن شده و از شکل پایتخت یک کشور قدیم آسیایی، به صورت یک شهر زیبای اروپایی درآمده است، تعداد ساختمانهایی که در تهران با سبک جدید معماری و به سبک اروپایی ساخته می‌شود سال به سال رو به افزایش است و این «موج ساختمانی» بیش از پیش نضج می‌گیرد. تنها سبک قدیم ساختمانی را فعلاً در چند محله مرکزی تهران به طور اعم و محله عودلاجان به طور اخص می‌توان دید. کما اینکه این احتمال وجود دارد که نوگرایی به جایی برسد که همین چند ساختمان قدیم را نیز برای بنای ساختمانهایی به سبک جدید و اروپایی در هم بکوبند، و در این محله هم یک روز غده‌های سرطان‌مانند، شبیه ساختمان القانیان (پلاسکو) در خیابان استانبول یا ساختمان بانک کار در خیابان حافظ چهارراه یوسف‌آباد سبز شوند. این خبر در شماره ۱۲۲۶ جمعه، دوازدهم اسفندماه ۴۵، در مجله تهران‌مصور درج شده است:

وزیر کشور نوسازی محله‌های قدیمی تهران را اعلام کرد

وزیر کشور در مصاحبه اخیر خود اطلاع داد که برای تجدید ساختمان محله‌های قدیمی شهر تهران یک شرکت بزرگ ساختمانی تشکیل خواهد شد و سرمایه اولیه شرکت بالغ بر یکصد میلیون ریال خواهد بود. خبرنگار تهران‌مصور گزارش می‌دهد که از طرف شرکتهای بزرگ خارجی از جمله یک شرکت بلژیکی و یک شرکت آمریکایی پیشنهادهایی در این زمینه به شهرداری تهران رسیده است که اینک تحت مطالعه می‌باشد، پیشنهادهای واصله در مورد ساختمان یک مرکز بزرگ در محله عربها [عودلاجان] می‌باشد.

برای نوسازی و تجدید ساختمان محله‌های قدیمی تهران، دلایل عمده‌ای وجود دارد که از آن جمله کهنگی و فرسودگی پایه‌های بناهای قدیمی و عدم مقاومت آنها در مقابل عوارض جوی، تنگی کوچه‌ها و گرفتاریهای ناشی از آن در مواقع حریق، کابل‌کشی، لوله‌کشی و مانند آن است. درست است که در ساختمان منازل به سبک قدیم معایبی وجود داشته است ولی محاسن آن را هم که متناسب با وضع اقلیمی و آب و هوای محلی بوده است نباید نادیده گرفت کوچه‌های محله عودلاجان شرقی عموماً تنگ و کم‌عرض هستند

به ندرت کوچه‌ای با عرض شش متر و هشت متری می‌توان یافت و اگر چنین کوچه‌ای هم پیدا بشود این فاصله از اول تا آخر کوچه تغییر می‌کند و کم و زیاد می‌شود - کوچه‌های یک متری و یک و نیم متری و دو متری و دو و نیم متری فراوان دیده می‌شوند و تازه از همین کوچه‌های کم‌عرض کوچه‌های فرعی دیگری که اغلب از کوچه‌های اصلی تنگ‌تر هستند منشعب می‌شوند. و کمتر کوچه‌ای است که کوچه فرعی بن‌بست نداشته باشد. در عودلاجان شرقی دو رشته کوچه شمال- جنوبی اصلی و سه رشته کوچه شرقی- غربی اصلی را می‌شود تشخیص داد. نخست کوچه میرزا محمود و زیر که از اواسط خیابان امیرکبیر شرقی شروع و تا کوچه حمام خشتی امتداد می‌یابد از همین کوچه در حدود هجده کوچه معتبر منشعب می‌شود، دوم کوچه حمام قوام‌الدوله که از اوایل کوچه میرزا محمود وزیر منشعب و به کوچه امامزاده یحیی می‌پیوندد و امتداد آن به خیابان بوذرجمهری نو می‌رسد که از این کوچه در حدود چهل کوچه فرعی انشعاب حاصل می‌کند.

در قسمت غرب (خیابان سیروس) کوچه هوشیار به کوچه آجودان‌باشی می‌پیوندد و وارد بازارچه یحیی می‌شود و از کوچه دردار غربی راهی به خیابان ری پیدا می‌کند دومین کوچه شرقی- غربی کوچه حمام خشتی است در سیروس که امروز به کوچه تقوی تبدیل نام یافته است. این کوچه مستقیماً به محوطه امامزاده یحیی می‌رسد و با مقداری انحنا از کوچه باغ پسته‌بک به خیابان ری راه می‌یابد.

سومین کوچه شرقی- غربی کوچه زرگراست که از خیابان سیروس با چند انحنا به سمت شرق امتداد می‌یابد و پس از رسیدن به کوچه امامزاده یحیی با انحنای دیگری راه کوچه چاپخانه را در پیش می‌گیرد و از کوچه آصف‌الدوله به خیابان ری می‌رسد. جریان آب (قنات حاج علیرضا) در محدوده مورد مطالعه، از شمال به جنوب و از مشرق به مغرب است. از وسط بعضی از کوچه‌ها قنات حاج علیرضا - که از سرچشمه شروع می‌شود - می‌گذرد. راه آبهای قنات سرپوشیده هستند مگر جایی که به تنبوشه‌ای که به جای تقسیم آب یک یا چند خانه است برخورد کنند که در آن صورت به اندازه تقریبی چهل در چهل سانتیمتر روباز می‌شود. حاج علیرضا این رشته آب را با صرف مبالغی زیاد به این محل آورد و خود یکی از علل عمده آبادی محل و تجمع جمعیت در این منطقه بوده است. این آب هنوز از حیاطها و صحن منازل و حوض خانه‌های بعضی از منازل این محدوده می‌گذرد، گاه سرپوشیده و گاه سر باز و نگارنده در اردیبهشت ماه سال ۴۶ جویی از این آب را در صحن حیاط مشجر معتمدالسلطنه دیده است، با همین آب، آب انبارهای بزرگ نیز پر می‌شده است. در اهمیت این قنات و قناتهای دیگر کافی است بدانیم که برای پایتختی که نه به دریایی راه

دارد و نه به دریاچه‌ای و نه رودخانه بزرگی از کنارش می‌گذرد مسئله آب آشامیدنی تا چه حد در خور توجه است. تلاشهایی برای آوردن آب کرج به تهران انجام گرفت ولی به نتیجه‌ای نرسید چنان‌که در حدود ۱،۲۵۵ هـ.ق، حاج میرزا آقاسی، وزیر محمدشاه قاجار، نه‌ری از رودخانه کرج جدا کرده ولی موفق به آوردن آن به تهران نشد، به هر صورت آوردن آب قنات حاج علیرضا به عودلاجان توفیق بزرگی بوده است و در وقتی که آب آشامیدنی غالب مردم این شهر به وسیله بشکه‌هایی بود که از قنات خاصه قنات شاه پر می‌شد و توزیع می‌گردید و به «آب‌شاه» معروف بود، سکنه عودلاجان آب انبارهای خود را از آب حاج علیرضا پر می‌کردند در ساختمان منازل ساختن آب انبار و منابع ذخیره آب ضروری بود. و مسئله کم‌آبی در تهران ایجاب می‌کرد که برای ذخیره آب کافی علاوه بر آب انبارهای بزرگ، حوضهای گود و بزرگی نیز بسازند، وجود این دو منبع از شرایط اولیه ساختمانی هر منزلی بوده است. (در بهمن ماه ۱۳۲۹ لوله کشی آب شهر تهران شروع شد).

بی‌شک عقاید مذهبی و آداب و رسوم هر ناحیه‌ای در سبک ایجاد مسکن تأثیر به خصوص داشته و زیبایی‌های خاص خود را به وجود می‌آورد تا سال ۱۳۱۴ خورشیدی مرد ایرانی بنا به عقاید و رسوم مذهبی، به پوشیده نگاهداشتن زن یا زنان خود توجهی تمام داشت و بدین سبب بعضی از ساختمانهای منازل، دو قسمت داشتند یک قسمت آن که می‌باید از دید بیگانه دور باشد، اندرونی و قسمت دیگر بیرونی نام داشت. در محله عودلاجان از این نوع منازل که دارای اندرونی و بیرونی هستند فراوان می‌شود دید. هنوز هم عده‌ای که دارای روحیه مستوری و حس اختفاء می‌باشند و به مستور نگاهداشتن قسمتی از زندگی خود علاقمندند منازل این منطقه بخصوص را بر خانه‌های چند طبقه شمال شهر «مُشرف بهَم» ترجیح می‌دهند!

به طور کلی در تهران از چند سال به این طرف دو نوع مسکن می‌توان تشخیص داد مساکن سبک ایرانی و مساکن سبک نو (سبک معماری غربی) متأسفانه منازل قدیمی تهران که به سبک ایرانی و مطابق مقتضیات محلی ساخته شده رو به انهدام است و نمونه‌های کامل آن را در همین محله عودلاجان می‌توان یافت، مع‌هذا در همین منطقه نیز خانه‌های قدیمی را به نام «کلنگی» می‌خرند و از یک خانه چند خانه کوچک ولی چند طبقه می‌سازند، هم‌اکنون در کوچه علوی، مابین کوچه زرگرها و ابوالقاسم شیرازی این فعالیت مشاهده می‌شود. چون تهران دارای آب و هوای نیمه‌صحرائی و خشک و تابستان گرم با آفتاب سوزان و زمستانهای سرد است، منازل به طور کلی رو به جوب ساخته شده‌اند که در زمستان به علت زاویه نور خورشید اطاقها آفتابگیر باشد و در تابستان نیز خاصه جلوی اطاقهای رو به جنوب ایوان

می سازند، تا اشعه خورشید که در این فصل بیشتر عمودی می تابد داخل اطاقها نشود. خانه‌هایی هستند که دارای ساختمانی می باشند که چهار طرف آن اطاق است. در ورودی به یک راهروی تاریک باز می شود، دو طرف راهرو اطاق است و سپس وارد حیاط می شوند که در سمت چپ و راست و روبه رو، اطاق ساخته شده است. دستشویی و آشپزخانه در زیر اطاقها هستند. اما در این گونه منازل همیشه مسکن مرغوب اطاقی است که رو به جنوب و آفتابگیر باشد.

از ایوان در فصل گرما برای خوابیدن یا نشستن استفاده می شود. چون زمین تهران چندان مرطوب نیست برای فرار از گرمای تابستان زیرزمینهایی که یک تا سه متر از سطح حیاط پائین تر هستند در زیر اطاقها ساخته اند. این زیرزمینها در تابستان دارای هوایی خنک است و با پنجره‌هایی نزدیک به سقف با حیاط و هوای آزاد ارتباط دارد. ولی چون دیوار این زیرزمینها کاملاً عایق و «ایزوله» نمی شود به علت رطوبتی که از جویهای آب کوچه‌ها یا چاههای متعدد داخل منزل سرایت می کند اکثراً دارای هوایی مرطوب و نمناک است، در بعضی منازل نیز در وسط زیرزمین حوضی قرار دارد و در این صورت نام «حوضخانه» به خود می گیرد و محل مناسبی برای استراحت و خواب بعد از ظهر سوزان تابستان است. ساختمان منازل معمولاً یک طبقه است سقف اطاقها با تیرهای چوبی پوشیده شده و پشت بام را کاه گل کرده اند و برخلاف شیروانی فلزی و آهنی، در روزهای گرم تابستان مانع نفوذ حرارت آفتاب به اطاقها می شود و از طرف دیگر در شبهای تابستان برای خوابیدن و لذت بردن از هوای خنک و تماشای آسمان صاف و پرستاره و زیبای شهر مورد استفاده قرار می گیرد. (چندی است که دود اتومبیلها و کارخانه‌ها و کوره‌های آجرپزی هوای صاف را از دست مردم تهران و بخصوص ساکنان جنوب غرب، جنوب، مرکز، شرق و جنوب شرق گرفته است) برای جدا کردن بامها از یکدیگر دیوارهای گلی گاهی تا حدود دو متر ارتفاع ساخته شده است. چون تهران دارای مجرای فاضلاب نیست، در هر خانه دو یا سه چاه به عمق پنج-۲۰ متر برای فاضلاب و فضولات منزل وجود دارد، یکی از این چاهها حتماً در آشپزخانه است زیرا آنچه در نتیجه طبخ غذا به چاه می ریزد (آب و دانه‌های برنج و غیره) نباید با سایر کثافات مخلوط شود، چاههای کهنه و قدیمی در این بخش از عودلاجان فراوان است و واریز آنها باعث خطرات جانی شده است. امروز اشغال منازل به وسیله سپورهایی که چرخ دستی (یا سه چرخه سپوری) دارند در ساعات اولیه جمع آوری و به بیابانهای اطراف برده می شود تا در آنجا به وسیله چند سپور دیگر تجزیه شود (حلبی، شیشه، مقوا، کاغذ

جمع آوری می شود) و بعد بابل! به داخل کامیون حمل زباله ریخته شده، و در بیابانهای خارج شهر تخلیه می شوند.

در کوچه های تنگ و کم عرض، خانه های نسبتاً وسیع دیده می شود و طبع شاعرانه و ذوق زیبا پسند ایرانی ناگزیر از نگاهداری باغ و گل و باغچه و درخت در این خانه هاست، حتی باید گفت که در همه منازل، هر قدر هم محقر، باغچه ای کوچک و گل و گیاهی، و حداقل چند گلدان گل دیده می شود، خانه های بزرگ تر و وسیع تر دارای گل و باغ و درخت کافی می باشند.

ابنیه تاریخی بخش شرقی عودلاجان

از زمانی که شهر تهران مورد توجه قرار گرفته مدت درازی نمی گذرد و به همین سبب آثار تاریخی کهن و شایان اهمیت فوق العاده در خود شهر دیده نمی شود. در واقع تهران مانند اصفهان که زبان گویای دوران صفویه است معرف دوره قاجار در ایران شمرده می شود. چه اهمیت واقعی این شهر از موقعی آغاز می شود که توسط سرسلسله دودمان قاجار به پایتختی برگزیده شد. مع هذا از پیش از زمان صفویه نیز آثاری در سه امامزاده تهران وجود دارد ولی ساختمانهای همین سه امامزاده هم در دوران قاجار تجدید بنا شده است به طوری که می توان گفت ابنیه تاریخی این شهر کلاً مربوط به زمان قاجاریه است که با رعایت نظم سنواتی ابنیه تاریخی مذهبی عبارتند از: امامزاده سید اسمعیل، امامزاده یحیی، امامزاده زید، سید ناصرالدین (یا سید نصرالدین) که سید اسمعیل در محله چالمیدان (میدان سید اسمعیل یا اسمال بزاز)، امامزاده یحیی در عودلاجان، امامزاده زید در محله بازار و سید ناصرالدین در جنوب خیابان مولوی واقع هستند، از سایر بقاع متبرکه تهران که به شانزده عدد می رسند زیارتگاه پیرعطا در ناحیه عودلاجان در محله معروف به محله کلیمیان (یا محله جهودها) و بقعه کوچک هفت دختران در محله قدیمی سرچشمه نزدیک تکیه رضاقلیخان (عودلاجان)، امامزاده سید اسحق بن موسی بن جعفر در کوچه خدا بنده لوها (عودلاجان). این سه بقعه با اینکه در محله عودلاجان واقعند، از محدوده مورد تحقیق ما خارجند و بنابراین فقط به توضیحات بیشتری درباره امامزاده یحیی می پردازیم:

امامزاده یحیی در کوچه ای به همین نام (کوچه امامزاده یحیی) در پلاک آبی ۱۳۷ واقع است. در سردر صحن امامزاده روی سنگ مرمر سفید کوچکی این جمله از قرآن مجید حک شده است «یا یحیی خذ الكتاب بقوة» و در زیر آن تاریخ ۱۳۲۴-۱۳۶۳ که تاریخ اتمام تعمیرات و بنای امامزاده است دیده می شود. شمال صحن امامزاده مسجدی است به نام

مسجد امامزاده یحیی و در جنوب امامزاده شفاخانه آموزشگاهها (شماره ۱۳۳) قرار دارد که تاریخ ۱۳۱۹ خورشیدی روی کاشی آن به چشم می خورد. این شفاخانه را یک سال بعد از خرابی امامزاده ساخته اند. خود بقعه امامزاده یحیی فعلاً بنای جدیدی است که در پاییز سال ۱۳۲۰ خورشیدی از روی نقشه بنای قدیمی و به همان ابعاد تجدید ساختمان گردیده است. بنای قدیمی آن شامل برج خشتی هشت ضلعی بود که مانند ابنیه دیگر از عصر مغول یک گنبد آجری ۱۲ ضلعی هرمی شکل بر بالای آن قرار داشت و در عهد قاجاریه هم اطراف این برج خشتی اطاقها و ایوان و مستحذات غیر مهم دیگری افزوده، سطح خارجی گنبد را با کاشیهای هفت رنگ و غیر مرغوبی مزین ساخته بودند، اینک در محل برج خشتی مزبور بقعه ۸ ضلعی کنونی ساخته شده، اطراف آن علاوه بر مرقد امامزاده محمد که از قدیم در مجاورت این بقعه قرار داشته، و اطاق قرینه این مرقد که مقبره مرحوم بهاء الملک همدانی و مسجد کوچکی هم هست ایوان و کفش کن و اطاق دفتر و موزه و کتابخانه احداث نموده اند و با نصب کتیبه های سنگ مرمر و کاشی معرق و آئینه کاری و گچ بری بنای بی پیرایه قدیمی را تبدیل به بقعه زیبا و مزینی ساخته اند و اینک هم آئینه کاری داخل حرم را که در سالهای ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ آغاز کرده بودند به اتمام رسانده و رونق و تجلی بیشتری به این مقام متبرک داده اند.

در سال ۱۳۱۸ خورشیدی که بر اثر سوانح ایام این زیارتگاه خراب شد مرقد آن و کف سابق حرم در عمق ۲۳ سانتیمتری زیر زمین مسطح باقی ماند و در آبان ماه ۱۳۲۰ با برداشتن خاکهای مزبور کف حرم و صورت مرقد نمایان و بقعه فعلی در جای بقعه اصلی به همان نقشه و اندازه به خرج وزارت فرهنگ و از محل اعتبارات ساختمانی ساخته و پرداخته گردید. چنین وضع یعنی انهدام بنا و تجدید آن پس از دو سال بقعه متبرک امامزاده یحیی را دارای موقعیت مخصوص و ممتازی ساخته است. در این خرابی وقت و آبادی مجدد که هر دو مرحله برای آبادانی و شکوه بقعه مقدر و مفید بود آثار تاریخی و نوشته های بنای قدیمی کمترین لطمه و خرابی ندید بلکه قطعات قابل ذکر هم ضمن تسطیح و درخت کاری قبرستان مجاور بقعه به دست آمد که اکنون زینت بخش دیوار و سوزۀ آنجاست. از نظر قدمت تاریخی روی صندوق ضریح این بقعه تاریخ اتمام آن سال ۸۹۵ ه. ق، ذکر شده (تاریخ صندوق ضریح امامزاده زید ۹۰۲ ه. ق، و تاریخ روی لوحه زرین لنگه راست در منبت کاری سمت مغرب حرم سید اسمعیل ۸۸۶ ه. ق، و قدیمی ترین تاریخی که در بقعه سید ناصرالدین دیده می شود ۹۹۳ ه. ق، است که روی قطعه چوب طویلی بالای پنجره آهنین در پشت ضلع شمالی ضریح نصب است.)

صندوق ضریح امامزاده یحیی از دو صندوق دیگر بقعه سید اسمعیل و امامزاده زید زیباتر است و لوحه کاشی فیروزه رنگی بر روی یک قبر در این امامزاده وجود دارد که تاریخ ۶۲۸ ه.ق، به زحمت روی آن خوانده می شود.

قبل از متولی فعلی، آقا شیخ غلامرضا، تولیت امامزاده را داشت و حضرت حجت الاسلام حاج شیخ زین العابدین سرخه یی امام جماعت مسجد امامزاده یحیی را عهده دار بوده اند و هستند.

چنان که گفتیم در دوره ناصرالدین شاه نواحی شمال شرقی تهران آن روز به سرعت آباد شد و کوچه ها و خانه ها به نام شخصیت های مختلف دوران ناصری در آن محل احداث گردید، بدین ترتیب هم در آن روزگار و هم بعد از آن تاریخ این محله از افراد نامی خالی نبوده است، از جمله معروفان محل، این اشخاص را می توان نام برد:

۱. حاج نایب که در خیابان چراغ گاز پاطوق دار بوده است (در آن روزگار که شهربانی و کلاترپها نبودند اشخاص متنفذ و گاهی ریش سفید که شخصیت خود آنها پشتوانه آراء و افکارش بوده است در اختلافات مردم حکمیت می کرده اند و مردم نیز به قول و رأی آنها ایمان و اعتقاد داشته اند، هر محله بزرگ به چند پاطوق تقسیم می شده و افرادی سمت پاطوق داری داشته اند.)

۲. یوزباشی اسمال (در خیابان چراغ گاز)؛
۳. حاج سید حسن رزاز پهلوان پایتخت (برنج فروش)؛
۴. یوزباشی علی عمو زینل؛
۵. دائی عزیز (پاطوق دار)؛
۶. کدخدای باقر (وکیل مجلس شورای ملی در دوره اول)؛
۷. حاجی معصوم (پاطوق دار) (پهلوان)؛
۸. اکبرخان (پاطوق دار)؛
۹. آقاعزیز شازده (پاطوق دار)؛
۱۰. مرتضی خان نایب (پاطوق دار)؛
۱۱. حاجی خرده فروش (پهلوان)؛
۱۲. حاجی محمدصادق بلورفروش (پهلوان پایتخت)؛
۱۳. حسین جگرکی (پهلوان)؛
۱۴. اکبر جگرکی (پهلوان)؛
۱۵. مرتضی خان پامنار (پاطوق دار)؛

۱۶. حاجی محمود سرایدار (پاطوق دار)؛
۱۷. حاجی علی رستم آبادی (پهلوان)؛
۱۸. محمد علی کوهی (از اوباشهای محل).

چنارهای کهنسال

یاقوت حُموی در معجم البلدان می نویسد: «طهران دارای باغهای زیادی است...» و پیر دولاواله در سیاحتنامه خود می نویسد: «تهران دارای باغهای بزرگ است در آنجا میوه زیاد و متنوع به عمل می آید. در تمام کوچه هایش جوی آب روان است. تهران را به علت زیادی درخت چنار باید چنارستان نامید...»

از چنارهایی که سیاح خارجی در سنه ۱۰۲۸ تا ۱۰۳۲ ه.ق، دیده است شاید فقط دو چنار یا بیشتر مانده باشد که دو نمونه آن در منطقه مورد مطالعه، در کوچه امامزاده یحیی و مقابل صحن امامزاده قرار گرفته اند. اولی دو تنه اصلی دارد که یکی از تنه های آن روی دیوار مسجد امامزاده یحیی تکیه کرده است.

تابلویی بدین شرح روی درخت نصب کرده اند:

چنار شماره «۱» وزارت فرهنگ، اداره کل باستان شناسی - کهن سال ترین چنار تهران معروف به چنار سوخته شماره ۱-۱۳۳۰ شمسی چنار دوم دو تنه اصلی و چند شاخه فرعی قطور دارد. تابلو الصاقی به این چنار بدین شرح است: وزارت فرهنگ - اداره کل باستان شناسی - کهن سال ترین چنار تهران - شماره ۲ - ۱۳۳۰ شمسی. علاوه بر این دو چنار چند قدم بالاتر (سمت شمال) دو درخت نارون کهنسال نیز در این کوچه وجود دارد که تابلویی روی آنها هنوز نصب نشده است.

نقشه تهران و نقشه عودالاجان

اولین نقشه تهران به دستور امیرکبیر، صدراعظم باکفایت ایران، از طرف عبدالرسول خان مهندس به مقیاس هر ۲ سانتیمتر یک فرسخ، شامل ورامین و غار و فشاپویه و شهریار ترسیم و تهیه شد و بعد نقشه دیگری «به سعی نواب شاهزاده و الاعتبار اعتضاد السلطنه العلیه علیقلی میرزا و به اهتمام عالیجاه موسیو کرشیش سرتیپ و معلم توپخانه مبارکه و دستیاری ذوالفقاریک و محمد تقی خان شاگردان مشاغلیه که در مدرسه دارالفنون تربیت یافته اند صورت طبع و سمت اختتام پذیرفت...» این نقشه ای از دارالخلافه تهران بود که در

جمادی‌الاولی سال ۱۲۷۵ ه.ق، به اتمام رسید. در این نقشه، تهران به چهار محله بزرگ تقسیم می‌شود:

۱. محله عودلاجان در شرق و شمال شرق.

۲. محله چالمیدان در جنوب عودلاجان.

۳. محله بازار در مرکز و جنوب.

۴. محله سنگلج در غرب تهران.

در این نقشه، خیابان امیرکبیر فعلی که یک طرف (ضلع شمالی) محدوده ماست به حصار شهر برخورد می‌کند و تقریباً در شمال شرقی تهران (متمایل به شرق) قرار دارد و طرف شرقی که خیابان ری است نیز به حصار شهر محدود می‌شود، و در همین محدوده تقسیماتی مانند: ۱. سرچشمه بالا ۲. سرچشمه پائین ۳. محله نو ۴. محله سادات ۵. محله باغ امین ۶. محله باغ پسته بیگ [نک] به چشم می‌خورد.

از این تقسیمات بزرگ که بگذریم، اراضی این منطقه بیشتر خانه‌های بزرگ متعلق به رجال و باغات و مساجد و تکایا و مانند آن بوده است مانند خانه‌های افراد زیر که به ترتیب از شمال به جنوب واقع شده‌اند:

خانه میرزا حسنخان خانه عبدالله خان

خانه آقاعلی خانه قوام‌الدوله

خانه جعفرقلیخان ایلخانی

خانه حاجی حسنعلی خان

خانه عین‌الملک

خانه حاجی میرزا سید علی

خانه محبعلی خان

خانه امیر تومان

خانه رضاقلیخان والی

خانه میرزا زکی، سرهنگ توپخانه

خانه دبیرالملک

خانه فخرالدوله

خانه نقاش باشی

خانه حاجی میرزا کدخدا

خانه میرزا حسن لله باشی

خانه لسان‌الملک

خانه و باغ وزیرمختار فرانسه

خانه صدرالدوله

خانه‌های مذکور در این محله به خاطر صاحبان آنها مشخص بوده‌اند.

علاوه بر خانه‌ها، چند کاروانسرا، چند تکیه و چندین باغ و کوچه به نام شهرت داشته‌اند که عبارتند از: باغ حسینقلی خان، باغ ابراهیم خان، باغ وقف، باغ وقف سادات، تکیه ابوالقاسم شیرازی، تکیه سریولک، تکیه افشارها، تکیه ملاقدیر، تکیه زرگرها، گذر باغ نظام‌الدوله،

گذر حمام نواب، گذر امامزاده یحیی، گذر حمام دوستعلیخان معیرالممالک، گذر حمام میرزا صالح، کاروانسرای حاج حسین، کاروانسراهای حاج عبدالکریم.

و در ۱۱۲ سال پیش [سال ۱۳۴۶] کوچه‌های به نام این محل عبارت بودند از:

۱. کوچه عین‌الملک
۲. کوچه حاجی علی
۳. کوچه محمدخان امیر تومان
۴. کوچه آقا کریم نایب
۵. کوچه صغیران
۶. کوچه و درب خانه میرزا فتحعلیخان
۷. کوچه حاجی ابراهیم
۸. کوچه و حمام قراقانیها (معروف به قرقونیها).

گفتم که در سال ۱۲۷۵ ه.ق، به سعی اعتضادالسلطنه نقشه‌ای از تهران تهیه شد ولی این نقشه گویا کامل نبوده است، چه سی سال بعد، نقشه دیگری از تهران ترسیم شد و چون تهران احتیاج به توسعه بیشتری پیدا کرد شهر را از هر طرف تعریض کردند و به عبارت دیگر شکل تهران تا زمان ناصرالدین شاه صورت کثیرالاضلاع را داشت که محیط آن قدری بیشتر از یک فرسخ بود و شش دروازه داشت با یک حصار گلی: دروازه شمیران، دروازه دولت، دروازه قزوین، دروازه صمدیه، دروازه شاه عبدالعظیم و دروازه دولاب. ولی در سال ۱۲۸۴ یا ۱۲۸۶ ه.ق، (۱۲۸۴ اصح به نظر می‌رسد) در بیست و یکمین سال سلطنت ناصرالدین شاه با انجام تشریفات رسمی و مفصل مراسم کلنگ‌زدن احداث خندق و بنیاد دروازه‌های جدید تهران برگزار شد. خندق قدیم را پر کردند و حصار را خراب نمودند و برج و باروی تازه‌ای بنا نهادند که دارای ۵۸ باستیون بود و بنای آن در ۱۲۹۱ ه.ق، در بیست و هفتمین سال سلطنت ناصرالدین شاه به پایان رسید و تهران به شکل یک هشت ضلعی غیر متساوی الاضلاع درآمد که محیط آن ۱۹۵۹۶ متر گردید و مساحت داخلی شهر، نیم فرسخ مربع شد. شهر جدید را دارالخلافه ناصری نامیدند ولی نام تهران کماکان باقی ماند و نام دارالخلافه ناصری به تدریج منسوخ شد و به همین دلیل است که در نقشه بعدی تهران، که بعد از توسعه تهیه گردید، قبل از همه عنوان: «نقشه دارالخلافه تهران» «صانها الله تعالی عن الحدثان» به چشم می‌خورد و بعد این عبارات:

بسمه تعالی چون حسب الامر اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ناصرالدین ارواحنا فداه
مقارن سال ۱۲۸۵ ه.ق، وسعت شهر افزوده شد و باستیون جدیدی حول آن ساخته

شد، مقرر گردید که نقشهٔ عمارت اطراف شهر قدیم را که داخل باستیون شده مهندسين مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون بردارند، پس به حکم مرحوم مغفور اعتضادالسلطنه وزير علوم... حقير نجم‌الملک غفاری که سالهاست به معلمی کل علوم ریاضی و غیره اشتغال دارد به دستیاری عمده‌الامراء... و به همراهی بیست نفر شاگردان مهندس... تمام نقشه‌های خارج و داخل شهر قدیم... کشیده شد... و عمده عمارات و تغییرات در عرض مدت این بیست سال واقع شد و اگرچه هنوز از اراضی بایره در گوشه و کنار باقی است ولی من بعد به زودی تغییرات کلی دست نخواهد داد و الحق حال نقشهٔ ساخته شده خیلی صحیح و دقیق که تاکنون به این صحت و درستی نقشه‌ای کشیده نشده و چنان دقیق است که خانه‌ها و املاک مردم را با کمال دقت بررسی مساحت نمود... از آن جمله مساحت شهر قدیم هشت کرور و شصت هزار ذرع مربع است. اما جمعیت دارالخلافه را دو سال قبل از ابتدای برداشتن نقشهٔ شهر حسب الامر العلی [۱]، حقیر به دقت مشخص نمود. تعداد کل نفوس یکصد و شصت هزار نفر شد ولی امروز که ۲۳ سال بعد از آن تاریخ است به دو یست و پنجاه هزار نفر می‌رسد و عدد بیوتات داخل شهر قدیم به حساب نه هزار باب شده و بیوتات خارجه هم به نه هزار باب می‌رسد و مجموعاً هیجده هزار باب. و عدد مساجد معتبره دو یست باب و عدد کلیساهای کاتولیک و پروتستان و آرامنه چهار باب و عدد حمامهای عمومی چهارصد باب...

در سی سال قبل مسیو کرشیش نمساوی معلم توپخانه مدرسهٔ مبارکهٔ دارالفنون به استمداد شاگردان خود نقشه‌ای از تهران برداشت که ابعاد آن را به قدم پیموده بودند و زوایا را به تقریب گرفته بودند، اعتبار علمی نداشت و تخمینی بود مع هذا برای اشخاصی که بخوانند وضع سی سال قبل طهران را ببینند مفید است. بعضی عمارات وسیع اعیان و معارف را مهندسين که رفتند اذن بطلبند نقشه بردارند صاحبان آنها به هر ملاحظه‌ای بود اذن ندادند و عمارت آنها بیاض و ساده باقی ماند....

پس این نقشه مطابق است با وضع شهر دارالخلافه در تاریخ محرم سنه ۱۳۰۹.

عبدالغفار

در این نقشه به جای چهار محلهٔ بزرگ هشت محلهٔ بزرگ به چشم می‌خورد:

۱. محلهٔ دولت (در شمال)؛
۲. محلهٔ عودلاجان (در مشرق)؛

۳. محله چالمیدان (پائین تر از محله عودلاجان در حدود حمام تکیه قراقانیها و

زرگرها)؛

۵. محله بازار (در مرکز)؛

۶. تابع محله بازار (در جنوب)؛

۷. محله سنگلج (در مغرب محله بازار)؛

۸. محله تابع محله سنگلج (در غرب تهران).

در این دوره تهران دارای سیزده دروازه شد: دروازه دولت، دروازه یوسف آباد، دروازه باغ شاه، دروازه قزوین، دروازه گمرک، دروازه خانی آباد، دروازه غار، دروازه شاهزاده عبدالعظیم، دروازه پل راه آهن (البته راه آهن تهران-حضرت عبدالعظیم)، دروازه دولاب، دروازه دوشان تپه و دروازه شمیران.

در محدوده مانیز تغییراتی پیدا شده است: اسامی تازه و بناهای جدید.

از میدان سرچشمه فعلی خیابانی که به طرف توپخانه فعلی می رود به خیابان چراغ گاز موسوم بود و از سرچشمه به جنوب به جای همین خیابان سیروس فعلی بازار راسته سرچشمه است که تا حدود محله سادات امتداد پیدا می کند (هنوز خیابان احداث نشده است). و خیابانی که از سرچشمه به سه راه امین حضور می رود به خیابان باغ سردار معروف شده است. و از سه راه امین حضور به سمت جنوب (فعلاً خیابان ری) به خیابان کامرانیه مرسوم شده است. دنباله خیابان کامرانیه از مدرسه آقاسید کاظم به سمت جنوب عنوان «خیابان دروازه دولاب» را دارد. در این دوره کوچه میرزا محمود وزیر فعلی را سرچشمه پائین و حوالی حمام قوام الدوله را سرچشمه بالا می نامند، و کمی پائین تر از حمام قوام الدوله به سمت جنوب «محله سرتخت» عنوانی برای خود پیدا کرده است. پشت مدرسه آقاسید کاظم محل بزرگی است برای قبرستان و نیز قبرستان دیگری در جنوب «سرجنبینک بزرگ» زیر کوچه حمام خشتی و انتهای کوچه ابوالقاسم شیرازی فعلی وجود دارد. این محل در شرق کوچه علوی فعلی بین کوچه ابوالقاسم شیرازی و کوچه زرگرا مشخص شده است. از مستحدثات جدید در محدوده مورد نظر: مسجد صنیع الملک، مدرسه و مسجد آقاسید کاظم، مدرسه سعدالملک، مسجد و تکیه صاحب دیوان را می شود ذکر کرد.

و باز از همین دوره است که کوچه ها به نام رجال و درباریان عصر قاجار نامگذاری می شود مانند کوچه میرزا محمود وزیر و کوچه حمام قوام الدوله، کوچه قوام حضور، کوچه عصمت السلطنه، کوچه عزت الدوله، کوچه حاجی فخرالملک، کوچه نصیرالدوله، کوچه آجودان بای، سه راه امین حضور و کوچه بهاء لشکر و آصف الدوله و صاحب دیوان و...

در تهران بعضی از افراد که از طبقه متوسط و به کار یا عملی شهره بودند، کنیه یا لقب داشتند: حسن سه کله، اسمال بی مخ (هندونه فروش)، ممد رمضون یحی، عباس کوره پز (زورخانه دار)، حسین چول چول، محمدعلی کوهی (که در عروسیها سوت بلبل می زد و تیله انگشتی را خیلی خوب بازی می کرد)، علی تک تک (زورخانه دار)، سید محمود رئیس (گروهبان ارتش که بر اثر زیاده روی در مصرف الکل زود از دنیا رفت).

عودلاجان شرقی

کوچه های محدوده مورد مطالعه، عبارتند از:

۱. کوچه آبشار (قجرها) غرب و شرق ۱۸. کوچه خطیره؛
- خیابان ری؛ ۱۹. کوچه خزانه؛
۲. کوچه ابوالقاسم شیرازی؛ ۲۰. کوچه دودار (کوچه خواجه نصیر)
۳. کوچه آجودان باشی (بیدل)؛ شرقی-غربی؛
۴. کوچه آصف الدوله (کوچه مطب دکتر ۲۱. کوچه سادات (۱)؛
- آصف تاج بخش)؛ ۲۲. کوچه سادات (۲)؛
۵. کوچه آقاعزیز؛ ۲۳. کوچه سادات (۳)؛
۶. کوچه امامزاده یحیی؛ ۲۴. کوچه سرچنوبک؛
۷. کوچه امامزاده؛ ۲۵. کوچه سه متری (از انشعابات کوچه
- بحرالعلوم)؛ ۸. کوچه باغ پسته بیک؛
۹. کوچه بحرالعلوم (کوچه حاجی ۲۶. کوچه سه متری (از انشعابات خیابان
- بحرالعلوم)؛ سیروس (کوچه حسینیة جواهری)؛
۱۰. کوچه بدیع الملک؛ ۲۷. کوچه شاهان (کوچه شاهسون)؛
۱۱. کوچه بهاء لشکر؛ ۲۸. کوچه شجاعه؛
۱۲. کوچه تقوی (امیرالمالک)؛ ۲۹. کوچه شهاب الملک؛
۱۳. کوچه چاپخانه؛ ۳۰. کوچه شیرازی (کوچه علوی)؛
۱۴. کوچه حاجی فخرالملک؛ ۳۱. کوچه صاحب دیوان یا کوچه مسجد
۱۵. کوچه حمام خشتی (کوچه تقوی)؛ صاحب دیوان یا شیرازی؛
۱۶. کوچه حمام قراقניה (کوچه پروین)؛ ۳۲. کوچه یخچال (آب منگل بعدی) صغیرها؛
۱۷. کوچه حمام قوام الدوله؛ ۳۳. کوچه عزت الدوله؛

۳۴. کوچه عصمت السلطنه؛
 ۴۱. کوچه مؤید احمدی؛
 ۳۵. کوچه قوام حضور؛
 ۴۲. کوچه مهندس (یا دوراه مهندس)؛
 ۳۶. کوچه کریمی؛
 ۴۳. کوچه میرزا محمود وزیر؛
 ۳۷. کوچه لالی؛
 ۴۴. کوچه نصیرالدوله؛
 ۳۸. کوچه ماست بندها؛
 ۴۵. کوچه هوشیار (کوچه پروفیسور
 ۳۹. کوچه مدرس؛ شهاب).
 ۴۰. کوچه منوچهری؛

چهل و پنج کوچه مذکور در سه- چهار دهه پیش به همان اسامی که نوشتیم موسوم بوده‌اند ولی گذشت زمان اسامی بعضی از آنها را عوض کرده و اسامی شان تغییر کرده است. اینک می‌پردازیم به توضیح بیشتر درباره این کوچه‌ها، سوابق، وجه تسمیه، حدود و تعداد مستحذات، از خانه و مسجد و آب‌انبار و سقاخانه و مدرسه و مطب و درمانگاه و دبیرستان و مرکز مبارزه بابتی سواد، گرما، به، اما مزاده، و یا آثار باستانی و تاریخی.

از کوچه‌هایی که در لیست اصلی از آنها نام برده‌ایم کوچه بهشتی است که از کوچه خطیره جدا شده و به خیابان بوذرجمهری نو راه یافته است. دیگر کوچه آیت الله لویسانی (بن بست) از انشعابات کوچه میرزا محمود وزیر تقریباً مقابل کوچه نصیرالدوله، که این نام‌گذاری از ابداعات اخیر اهل محل است، نکته دیگر آنکه نام قسمتی از کوچه علوی فعلی نزد اهل محل و به خصوص معمرین آنها مورد اتفاق نظر نیست، عده‌ای آن را کوچه مسجد صاحب دیوان می‌دانند و عده‌ای کوچه صاحب دیوان و گروهی کوچه شیرازی که به نظر نگارنده نظر نخستین اصح به نظر می‌رسد، اگرچه هیچ کدام از سه نام اخیر امروز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و پلاک علوی مجال بحثی برای ما باقی نگذاشته است.

کوچه دیگری که در صورت ریز ما نیامده است کوچه «کیا» را باید نام برد - این کوچه بن بست است در خیابان سیروس بعد از کوچه حاجی بحر العلوم به عرض ۲/۵ متر و گاهی سه متر دیوار ضلع شمالی مسجد حاج شیخ عبدالنبی با چهل متر طول (حدود) و چهار پنجره اوایل این کوچه را تصرف کرده است. ۲۶ باب مستحذات در این کوچه قرار دارد.

کوچه مسجد اخوان اسلامی نیز از کوچه‌هایی است که از خیابان سیروس منشعب می‌شود و در انتهای خود با کوچه ابوالقاسم شیرازی روبه‌رو می‌شود. در شماره ۳۰ این کوچه مسجدی است که دو بیت زیر وضع آن را تا حدودی روشن می‌نماید:

بود مهجور و خراب این صحن مسجد سالها
 باز از نو شد به نام مسجد اخوان بپا
 خواستم تاریخ این تجدید را از طبع گفت
 مسجد اخوان اسلامیّه اینک شد بپا
 جمع مستحدثات این کوچه ۲۹ باب است (۲۸-۲۹) / ۱۳۵۰.

اما آنچه محدوده ما را محصور کرده است از سمت جنوب خیابان بوذرجمهری نو است.
 این خیابان در عهد سلطنت محمدرضا شاه پهلوی احداث شد و در دو طرف آن به جای
 بناهای قدیمی کهنه ساختنهای نوساز و مدرن به وجود آمد. حدود غربی ما خیابان ری تا
 سه راه امین حضور است. در این قسمت مسجد کاظمیه که اخیراً تعمیر شده است.
 وجه تسمیه نقطه اتصال خیابان ری به خیابان امیرکبیر به سه راه امین حضور را توضیح
 جریده شریفه شرف نمره بیستم رمضان سال ۱۳۰۱ هجری قمری روشن می کند:

جناب امین حضور، وزیر بقایا

جناب آقا علی امین حضور وزیر بقایا که از چاکران لایق کافی و برآوردگان و
 تربیت یافتگان مخصوص این عهد همایون است از بدایت عمر به اقتضای درایت فطری
 به سمت پیشخدمتی خاصه اختصاص یافتند... تا در سال ۱۲۸۴ هنگام رجعت موکب
 همایون اعلی از سفر خراسان به لقب امین حضوری ملقب شدند....

در خیابان امیرکبیر (باغ سردار سابق)؛ مسجد محمودیه قابل ذکر است. این مسجد را
 حاج سید محمود جواهری در سنه ۱۳۲۴ ه.ق، ساخته است. در تیرماه ۱۳۳۵ ه.ق، تعمیر
 مسجد محمودیه به سعی بانو عذرا نواب جواهری صبیّه مرحوم حاج سید محمود جواهری
 (متولیه) و عمل مهندس بهتاج پایان پذیرفت.

ابتدای کوچه میرزا محمود وزیر از این کوچه است. نگارنده احتمال می دهد که
 وجه تسمیه این کوچه به نام میرزا محمودخان شارژدافر باشد که بعدها (بعد از دوره ناصری
 و یا در همان ایام به وزارت نیز رسیده). و این مطالب از جریده شرف نقل می شود:
 میرزا محمودخان شارژدافر دولت علیّه که به اشرف سیادت دارای لیاقت کامل و از
 خانواده های جلیل و نجای تبریز است در مبادی حال در دوایر دیوانی و حکومتی
 آذربایجان به بعضی خدمات و اشغال که موروثی معزی الیه بود اشتغال داشت... به لقب وکیل
 دفتری ملقب... و پس از آن مأمور پطرزبورغ گردیده و به منصب شارژدافری دولت علیّه در
 آنجا مقیم بود....

خیابان سیروس، حدّ غربی محدوده مورد تحقیق است. در این خیابان مسجد آقاشیخ عبدالنبی و دبستان دولتی دَرّی (در شماره ۷۱۹) و کلاس پیکار بابی سوادى در آن دبستان و کانون خیریه خیرخواه، خاص یهودیان بی بضاعت را باید نام برد.

تحقیقات محلی

حدود و مشخصات کوچه‌های محله عودلاجان شرقی

۱. کوچه آبشار: این کوچه از غرب به دروازه دولاب و از شرق به خیابان ری منتهی می‌شود، امتداد این کوچه در سمت شرقی خیابان ری نیز به همان نام (آبشار) موسوم است. یکی از معمرین ساکن محل اظهار داشت که در قدیم چون قنات حاج علیرضا در کوچه آبشار غربی جریان داشت به کوچه آبشار موسوم شد. این کوچه تقریباً روبه‌روی کوچه نصیرالدوله واقع شده است. عده مستحدثات این کوچه ۲۲ باب است.

۲. کوچه ابوالقاسم شیرازی: از یک طرف به کوچه امامزاده یحیی و از طرف دیگر به کوچه علوی محدود است. در شماره ۹ این کوچه دبستان ملّی محمدی (پسران) قرار دارد. این دبستان در سال ۱۳۴۳ تأسیس شده است. در طرف شماره‌های فرد تعداد ۷ بنای نوساز بی‌پلاک، نیز دیده می‌شود که بعد از پلاک‌گذاری بنا شده‌اند. در حدود چهل سال پیش اکثر یهودیها در این کوچه سکونت داشتند. میرصمدخان از سرشناسان این کوچه بود. شماره یک این کوچه تکیه و حسینیه مرحوم ابوالقاسم شیرازی است، بعد از ابوالقاسم شیرازی فرزندش آقاعلی این تکیه را اداره کردند و بعد از فوت او زن آقاعلی که زنی درس خوانده و باسواد بود آنجا را تبدیل به مدرسه دخترانه شوکتیه نمود. این مدرسه قبل از فوت مدیره مدرسه برچیده شد و علی اکبر، پسر آقاعلی، در این محل سکونت کرد و بعد از فوت آن مرحوم در اسفندماه سال ۴۵ فرزندانش در این حسینیه سکونت دارند. به هر حال این تکیه وقف اولاد ابوالقاسم شیرازی است. مینیاتوریست و نقاش هنرمند، نصرت‌الله ابوالقاسم شیرازی از اعقاب شادروان ابوالقاسم شیرازی نیز چندی ساکن این حسینیه بوده است. تعداد مستحدثات این کوچه با احتساب بناهای نوساز به ۱۰۸ باب می‌رسد.

۳. کوچه آجودان‌باشی: از یک طرف به کوچه میرزامحمود وزیر و از طرف دیگر به کوچه حمام قوام‌الدوله محدود است. مسجد فاضل خلخالی در اواسط این کوچه واقع شده است. این مسجد در سال ۱۳۴۵ (۱۳۸۶ ه. ق.) تجدید بنا شد. این کوچه تغییر نام داده و به کوچه بیدل موسوم شده است.

چنانکه قبلاً نیز در وجه تسمیه بعضی از معابر و کوچه‌های این محل نوشتیم، در مورد نام این کوچه تصویری رود که به علت سکونت آجودان‌باشی در دوره ناصری باشد. مطالب زیر از شماره ۶۳ روزنامه شرف سال ۱۳۰۶ ه.ق، نقل می‌شود: «امیرالامراء العظام حسنخان آجودان‌باشی کل عساکر منصوره نظام پسر مرحوم اللہیارخان آجودان‌باشی کل و نواده مرحوم حسینقلی خان بیگلریگی که از خانواده‌های قدیم و از اجلاء ایل افشار ارومیه هستند...» و ظاهراً تسمیه به نام آجودان‌باشی بزرگ یا آجوان‌باشی (حسنخان) باید باشد.

۴. **کوچه آقاعزیز:** از انشعابات کوچه میرزا محمود وزیر و بن بست است. شیر آب فشاری سر کوچه نصب شده است. کل مستحدث در این کوچه ۳۲ باب است.

۵. **کوچه امامزاده یحیی:** امتداد کوچه حمام قوام‌الدوله است که تا خیابان بوذرجمهری نو می‌رسد. درست در ابتدای کوچه مسجد نوسازی جلب نظر می‌کند که از سطح خیابان سه پله بالاتر است. در سردر این مسجد روی کاشی زیبایی سورة قدر و آیه «یا ایها الذین امنوا ارکعوا واسجدوا واعبدوا ربکم وافعلوا الخیر لعلکم تفلحون» کتیبته احمد چوپان سنه ۱۳۷۷ خوانده می‌شود. پشت این مسجد، ساختمان شرکت سهامی صادراتی دارا از مدرن‌ترین و محکم‌ترین ساختمانهای محله عودلاجان محسوب می‌شود. کمی بالاتر به سمت شمال تکیه زرگرهاست که به دبستان^۱ تبدیل شده و بعد مسجد و سقاخانه زرگرهاست. تقریباً در مقابل مسجد (در کوچه مقابل) شماره ۷۲ «حمام قنبر» است، اگر به سمت شمال مسیر خود را ادامه دهیم نخست به تکیه ابوالقاسم شیرازی و بعد به دبیرستان شاهپور علیرضای^۲ و سقاخانه و آموزشگاهها^۳ و در شماره ۱۳۷ به امامزاده یحیی و در ۱۴۳ به مسجد امامزاده یحیی و در شماره ۱۴۹ به دبستان دولتی پسرانه «تدین» می‌رسیم. این دبستان در ۱۳۳۴ شمسی تأسیس شده است. تا اینجا دو نکته قابل ذکر است: نخست سقاخانه و تاریخ بنای آن. چنین به نظر می‌رسد که سقاخانه و مسجد زرگرها همزمان با هم بنا شده باشند. روی کاشی بالای سقاخانه کلمه «یا ابا عبد الله ۱۲۰۹» به چشم می‌خورد، دوم کوچه صابونیاها بعد از مسجد زرگرها که چون از انشعابات کوچه امامزاده یحیی است در لیست جداگانه منظور نشده است، تعداد بیوتات این کوچه ۲۶ باب است. قبل از حجت الاسلام آقای حاج شیخ زین‌العابدین سرخه‌بی، آقای حاج شیخ غلامرضا امام جماعت مسجد امامزاده یحیی بود، بعد از امامزاده (به سمت شمال) مدرسه حاج ابوالحسن معمارباشی واقع شده است. تاریخ بنای این مدرسه ۱۳۰۳ ه.ق است. وقف‌نامه این مدرسه روی سنگ مرمری در چهار سطر مرقوم (حک شده)

۱. دبستان دولتی دخترانه هُمای.

۲. تأسیس ۱۳۳۴.

۳. تأسیس ۱۳۱۹ خورشیدی.

و بالای سردر مدرسه نصب شده است. درست بالای در مدرسه روی کاشی این جمله به خط زیبایی جلب نظر می‌کند: «مجلس العلماء روضة من رياض الجنة» بعد از این مدرسه به میدانگاه و بازارچه می‌رسیدم و بعد در دست راست، مسجدی^۱ است که اهل محل آن را به نام مسجد آقا جلال می‌شناسند. نماز جماعت در ایام تابستان در پشت بام مسجد برگزار می‌شود (البته نماز مغرب و عشاء)، ولی در سردر این مسجد بعد از آیه انما یعمروا مساجد الله... روی کاشی نوشته است: «به اهتمام این بنده حاج میرزا علی آقا کامبیز! بخل مرحوم محمد ابراهیم خان باشی طاب ثراه سمت امام پذیرفت. فی شهر رجب ۱۳۵۳ [هجری قمری].»

«حمام نواب» جنب این مسجد قابل ذکر است (در شماره ۲۸۵). دیگر از نکات قابل ذکر در این کوچه وجود دبستان دخترانه پارس و مرکز پیکار با بی‌سوادی ناحیه ۶ است. این دبستان در ۱۳۱۲ تأسیس شده است. کوچه امامزاده از انشعابات کوچه امامزاده یحیی و بن بست است.

۶. کوچه باغ پسته‌بیک: بین کوچه امامزاده یحیی و خیابان ری از کوچه‌های نسبتاً عریض این محله است. دبستان و دبیرستان نوساز و بزرگ دخترانه پروین اعتصامی دختران در اواسط این کوچه قرار دارد و دبیرستان آن سه کلاسه است. تعداد مستحدثات این کوچه ۵۰ باب است.

۷. کوچه بحر العلوم: بین خیابان سیروس و کوچه میرزا محمود وزیر واقع شده است. پلاک سر کوچه عنوان حاجی بحر العلوم را دارد. این شخص از علماء بوده است. سر کوچه حاجی بحر العلوم در خیابان سیروس مسجد نوسازی است به نام مسجد بتولی یا «مسجد آقای بتولی» - چهار کوچه بن بست فرعی از این کوچه منشعب می‌شود که معمولاً در نقشه مشخص نشده است. جمع مستحدثات این کوچه ۵۸ باب است. یعنی (۶۵-۵۱). در تون حمام سرچشمه به این کوچه باز می‌شود.

۸. کوچه بدیع الملک: از انشعابات کوچه حمام قوام الدوله است و با چهار دهنه به خود کوچه حمام قوام الدوله راه پیدا می‌کند. مجموع مستحدثات این کوچه ۵۸ باب است.

۹. کوچه بهاء لشکر: کوچه بن بست است از انشعابات کوچه حمام قوام الدوله. اهل محل شاخه‌ای از این کوچه را به نام «کوچه سرتون حمام نواب» می‌نامند. جمع مستحدثات در این کوچه ۵۵ باب است.

۱۰. **کوچه تقوی:** بین کوچه حمام خشتی و کوچه آجودان باشی محدود است. جمع مستحذات این کوچه ۲۵ باب است.

۱۱. **کوچه چاپخانه:** کوچه تنگی است محصور بین کوچه امامزاده یحیی و کوچه حمام قراقانیه. در شماره ۴۲ و ۴۶ این کوچه مسجد کوچکی است به نام مسجد کوچه چاپخانه - دیوار مسجد زرگهانیز به این کوچه ناظر است. جمع مستحذات این کوچه اعم از خانه و دکان ۶۵ باب است، جنب دکان آقا شیخ حسین در این کوچه سابقاً زورخانه علی تک تک وجود داشته است.

۱۲. **کوچه حاجی فخرالملک:** بین کوچه میرزا محمود وزیر و کوچه حمام قوام الدوله واقع است. بیست سال قبل کلاتری ۹ در این کوچه بوده و حدود استحفاظی این کلاتری محوطه‌ای بوده است محصور مابین خیابان ری و امیرکبیر و ناصر خسرو و بوذرجمهری و بازارچه نایب السلطنه، وظایف این کلاتری بعدها به کلاتری ۱۳ محول شد (کلاتری ۱۳ فعلاً در خیابان پامنار است).

در باره وجه تسمیه این کوچه، مطالب زیر از شماره ۷۸ روزنامه شرف تاریخ ۱۳۰۷ ه.ق، نقل می‌شود:

عمدة الامراء العظام فخرالملک

عمدة الامراء العظام ابوالحسن خان فخرالملک سرتیپ اول و پیشخدمت خاصه حضور همایون خلف مرحوم رضاقلیخان والی کردستان... در سنه ۱۲۷۹ قمری در طهران متولد شده، در سن شش سالگی به سمت غلامیچگی آستان همایون افتخار حاصل کرد... در موقع امتحان به یک قطعه مدال مس نایل گردیده... و همواره خاطر همایون از خدمات معزی‌الیه قرین کمال خشنودی است...

۱۳. **کوچه حمام خشتی:** از یک طرف به خیابان سیروس و از دیگر سو به کوچه امامزاده یحیی راه دارد. در ابتدای این کوچه کانون خیرخواه واقع شده است. این کانون برای یهودیان بی‌بضاعت تهران مرکز درمانی، بیمارستان، گرمابه و کنیسه تأسیس نموده و هر روز بر عرض و طول تأسیسات خود می‌افزاید. این محل در قدیم به سرچمبک بزرگ مرسوم بوده است. کوچه حمام خشتی بعدها به کوچه تقوی تغییر نام داده و اکنون به همین نام اخیر شناخته می‌شود. در اوایل کوچه تقوی کوچه باغک (به همین نام نزد اهل محل معروف است) قرار دارد، و در شماره ۳۲ آن مدرسه و مسجد قبر علی خان یادگاری از ابنیه خیره دوره ناصری است.

بر سر در این مدرسه روی کاشی نوشته شده است:

«در عهد دولت حضرت اقدس همایون شهنشاه عادل و خاقان البازل السلطان بن السلطان بن السلطان والخواقان بن الخاقان ناصرالدین شاه قاجار خلد الله ملکه و ابد شوکته و بعد بانی این بنا سرکار مقرب الخاقان عظمت مدار مؤتمن السلطان سعدالدوله الحاج قنبر علی خان دامت سعاداته - یک هزار و دویست و هشتاد و هشت هجری به اتمام رسید.»

این مدرسه با در چوبی دولنگه‌ای به کوچه باز می‌شود، سر در آن مختصر کاشی کاری دارد که در یک طرف (چپ) روی یک قطعه کاشی «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم» و در طرف راست روی قطع کاشی دیگر «انا مدينة العلم و علی بابها» دیده می‌شود. پشت این مدرسه میدانگاه کوچکی است و در کنار میدان درخت اقایای کاملاً خشک و کهنسالی جلب نظر می‌کند. کمی بالاتر به سمت شرق در شماره ۱۱۲ گرمابه خشتی قرار دارد که البته صاحب فعلی یا مستأجر فعلی عنوان صادقی را هم به آن افزوده و به نام گرمابه خشتی صادقی معروف کرده است. نمای این حمام فعلاً با موزائیک سفید به طرز آبرومندی آراسته شده است. پینه دوز محل اظهار می‌کرد که سازنده اصلی آن به علت عدم تمکن مالی نخست آن را با خشت ساخته است و به همین دلیل به حمام خشتی معروف شده. جمع مستحادثات این کوچه اعم از گرمابه و خانه و دکان ۱۹۳ باب است.

۱۴. **کوچه قراقانیها:** بین بوذرجمهری نو و کوچه باغ پسته‌بیک قرار گرفته است. این کوچه در این اواخر به کوچه «پروین» تغییر نام داده و با این تغییر نام حمام قراقانیها را نیز با خود همنام ساخته است. گرمابه پروین که در شماره ۵۸ این کوچه واقع شده دارای دو دستگاه (مردانه و زنانه)^۱ جداگانه و در کنار هم است (مردانه از ساعت ۴ صبح تا ۸ شب و زنانه از ۵ صبح تا ۸ شب). تقریباً در مقابل حمام مسجد قراقانیها قرار دارد که از ساخته‌های «قهرمان معمار» است. امام جماعت این مسجد آقای خوانساری در اوائل خرداد ۴۶ به رحمت ایزدی پیوست. از این مسجد شیر آبی به کوچه آورده‌اند، اهل محل و گذریان می‌توانند با آب تصفیه شده شهر گلوئی تازه کنند. مقابل مسجد در شماره ۱/۵۸ این کوچه نیز سقاخانه دیگری است که سازنده و واقف آن معلوم نیست. این سقاخانه در ملک آقای سرهنگ دادجو قرار گرفته و به گفته اهل محل در حدود پنجاه سال عمر دارد. این سقاخانه مانند بیشتر سقاخانه‌های محل فاقد آب آشامیدنی است و شبهای جمعه اهل نیاز شمع نذری در آن روشن می‌کنند.

۱. گرمابه زنانه در شماره ۴۲ واقع است.

پائین تر از حمام قراقانیها به سمت بوذرجمهری نو در دست راست مسجد بزرگ تری است به نام مسجد لاریجانی، تولیت این مسجد را فرزند لاریجانی مرحوم به عهده دارد. مسجد لاریجانی ۱۳۸۴ هجری (قمری) به چشم می خورد که تاریخ تعمیر مسجد است. تعمیر و تکمیل این مسجد به وسیله حاج تقوی (آقا زاده لاریجانی) انجام گرفته است. در ابتدای کوچه در خیابان بوذرجمهری، بانک صادرات اخیراً شعبه ای افتتاح و دایر کرده است. این کوچه قبل از ایجاد خیابان بوذرجمهری نو به کوچه شهاب الملک نمازی متصل می شده است. از انشعابات این کوچه در همان اوایل کوچه کلاهدوزهاست که با دو دهنه به بوذرجمهری نو اتصال پیدا می کند. جمع مستحدثات کوچه کلاهدوزها از مغازه و منزل ۲۴ باب است. دیگر از امکنه قابل ذکر در این کوچه باید حمام یادگار و نرسیده به حمام یادگار کوچه عزیزالله خیاط را به خاطر آورد. جمع مستحدثات این کوچه اعم از حمام و مغازه و مسجد و سقاخانه ۱۷ باب است.

۱۵. کوچه حمام قوام الدوله: از کوچه میرزا محمود وزیر منشعب می شود و به کوچه امامزاده یحیی متصل می گردد. در پلاک گذاری اخیر کوچه امامزاده یحیی و کوچه حمام قوام الدوله را در حکم یک کوچه به حساب آورده اند و با این حساب جمع مستحدثات در این دو کوچه ۵۳۸ باب است.

گرمابه قوام الدوله (زنانه-مردانه) در شماره های ۵۰۲ و ۵۰۴ این کوچه بنا شده است. اهل محل حدود کوچه را از طرف جنوب تا «سرتخت» محدود می دانند. کوچه بدیع الملک، عصمت السلطنه، حاج فخرالملک و نصیرالدوله و کوچه آبشار را از انشعابات این کوچه می شود به شمار آورد.

روبه روی کوچه نصیرالدوله (در خود کوچه حمام قوام الدوله) نیز سقاخانه ای^۱ وجود دارد. در شماره ۵۱۵ شاید بتوان کوچک ترین مسجد تهران و لااقل کوچک ترین مسجد عودلاجان را پیدا کرد. این مسجد که به نام مسجد دو طبقه معروف است در حدود شصت سال قدمت دارد. گرمابه دیگری نیز در جنب کوچه نصیرالملک در شماره ۴۲۲ به نام گرمابه «پاک نو» وجود دارد. روبه روی کوچه نصیرالدوله بن بست کوتاهی است که اخیراً پلاکی از کاشی به سر کوچه نصب نموده اند و آن را بن بست «قاسمی» نام نهاده اند.

۱۶. کوچه حظیره: بین کوچه امامزاده یحیی و کوچه خزانه واقع است در این کوچه دفتر رسمی ثبت ازدواج ۲۶۷ (وحدتی) قرار دارد. قبل از احداث خیابان بوذرجمهری نو این

۱. این سقاخانه اسم معروفی ندارد و در ملک آقای طیبی واقع شده است.

کوچه شامل دو قطعه بود که به شکل حرف «دال» با زاویه ۹۰ درجه به هم ارتباط پیدا کرده بودند - در پلاک‌گذاری اخیر که هنوز خیابان بوذرجمهری نو احداث نشده بود جمع مستحقات این کوچه ۹۵ باب بود ولی بعد از احداث خیابان زائده کوچه دوم به خیابان راه پیدا کرد و به کوچه «بهشتی» مرسوم شد - اگر کوچه بهشتی را به حساب نیاوریم کوچه حظیره دارای ۴۰ باب خانه خواهد بود. و در مجموع چنان که نوشتیم ۹۰ باب.

۱۷. کوچه خزانه: بین کوچه صغیرها و کوچه چاپخانه واقع شده است. نرسیده به کوچه صغیرها و کوچه حمام قراقانیها سقاخانه‌ای است. جمع منازل در این کوچه ۲۸ باب است.

۱۸. کوچه درداز: بین کوچه حمام قوام‌الدوله و خیابان ری واقع شده است. نام این کوچه اخیراً به کوچه خواجه نصیر تبدیل شده است و پلاکی به همین نام اول کوچه از خیابان ری نصب کرده‌اند. از کوچه درداز کوچه «کاظمیه» منشعب می‌شود و در ابتدای کوچه کاظمیه «گرمابه کاظمیه» واقع شده است، کوچه دیگری به نام کوچه «شمس» نیز از انشعابات این چند کوچه است و کوچه فرعی بن بست بی نام را هم باید به اینها اضافه نمود. در شماره ۴۵ این کوچه، «باغچه» ای است. باغچه در اصطلاح دلالها و دوره‌گردهای دستفروش محلی است که قسمت قدیمی آن قهوه‌خانه است و این قهوه‌خانه در قسمت خلفی خود حیاط مشجری دارد با تعدادی نیمکت و صندلی، در همین باغچه معاملات بزرگ و کوچک دوره‌گردهای دستفروش انجام می‌گیرد. بعضی از دوره‌گردها که منزل مناسب یا دکان و مغازه ندارند در این باغچه‌ها صندوقهایی را برای جا دادن اشیاء خود اجاره می‌کنند، در تهران تعداد کمی از این «باغچه‌ها» وجود دارد که برای اهل تحقیق قابل مطالعه تواند بود. باغچه کوچه درداز به نام «باغچه علی قنّاد» معروف است و خود علی قنّاد آن را اداره می‌کند. جمع مستحقات این کوچه از قهوه‌خانه و باغچه و مغازه و حمام ۶۶ باب است.

مقابل این کوچه در خیابان ری (قسمت شرقی) نیز کوچه‌ای است به همین نام ولی طولانی‌تر.

۱۹. کوچه سادات: در خیابان سیروی وقتی رو به جنوب حرکت می‌کنیم بعد از کوچه بن بست (سه متری) حسینیه جواهری به کوچه سادات می‌رسیم این کوچه در انتها به دو شاخه می‌شود. شاخه شمالی که بن بست است و در همین بن بست گرمابه گلشن قرار دارد، و شاخه جنوبی که به سمت جنوب سرازیر می‌شود و به کوچه حمام خشتی متصل می‌گردد. در شماره ۸۹ شاخه جنوبی مسجد سادات و در شماره ۸۷ جنب مسجد آب انبار مسجد سادات قرار گرفت. این آب انبار برخلاف آب انبارهای دیگر دارای آب و مورد استفاده کسبه محل است، مع هذا برای کسانی که زحمت پائین رفتن از پله‌های آب انبار را نمی‌توانند تحمل

کنند نصف در ورودی (دهنه) آب انبار را به سقاخانه تبدیل کرده و شیر آبی در آن کار گذاشته اند؛ مع هذا درست در طرف چپ آب انبار سقاخانه کوچکی است با در چوبی مشبک، نیازمندان از این شبکه ها برای بستن کهنه و نخ استفاده می کنند و حاجتمندان شبهای جمعه شمعی نذر این سقاخانه می نمایند. سقاخانه مطلقاً آب ندارد. روی سنگ مرمر سفیدی که به دیوار روبه رو چسبیده است این توضیحات را می شود خواند:

«وقف صحیح شرعی نمود سلاله السادات سید ابوالقاسم ولد مرحوم جنّت آرامگاه آقا سید احمد طهرانی الاصل این سقاخانه واقعه در محله عودلاجان را بر کافه مؤمنین به تاریخ دوازدهم ذیقعه ۱۲۶۹»

و با این حساب عمر این سقاخانه به ۱۱۸ سال قمری می رسد. و می تواند از قدیمی ترین سقاخانه های محل به شمار آید.

۲۰. **کوچه سرچمبک:** از انشعابات سیروس و بن بست بوده است.

۲۱. **کوچه سه متری:** از انشعابات بحر العلوم و جزو آن کوچه به حساب می آید.

۲۲. **کوچه سه متری:** از انشعابات خیابان سیروس بین عزّت الدوله و سادات واقع شده است. این کوچه نیز از سه متری به کوچه حسینیّه جواهری تغییر نام داده است. خود حسینیّه با محوطه وسیعش در شماره ۷۸۵ (در سوم دست چپ) قرار دارد.

۲۳. **کوچه سید ابراهیم:** از سویی به خیابان ری و از دیگر سو به کوچه آبشار می پیوندد. در این کوچه باریک در شماره ۲۶ گرمابه سید ابراهیم بنا شده است. این گرمابه مانند گرمابه کوچه قوام حضور صبحها مردانه و از ساعت ۸ به بعد زنانه است. جمع مستحذات این کوچه به ۳۸ باب می رسد.

۲۴. **کوچه شاهسون:** کوچه خلوتی است با بناهایی کهنه که از یک طرف به خیابان سیروس (نرسیده به سه راه سیروس) و از طرف دیگر به کوچه علوی راه پیدا می کند. در مسجد صاحب دیوان، آخرین در شماره فرد (۳۷) این کوچه است. جمع مستحذات در این کوچه ۲۹ باب شمارش شده است.

۲۵. **کوچه شجاعت:** دو کوچه میرزا محمود وزیر و حمام قوام الدوله را به هم می پیوندد. و جمع مستحذات آن از ۲۰ باب تجاوز نمی کند.

۲۶. **کوچه شیرازی:** این کوچه دو سر کوچه های زرگرها و ابوالقاسم شیرازی را به هم می پیوسته است، ولی امروز به نام کوچه علوی شهرت یافته و پلاک کاشی سر کوچه مؤید این نکته است و در پلاک گذاری از این حدّ اصلی تجاوز کرده. از یک طرف به خیابان سیروس رسیده و از طرف دیگر خود را پس از طی یک سربالایی تند به سمت شمال به کوچه

حمام خشتی یا «تقوی» رسانده است. فعایت ساختمان فراروان در این کوچه به چشم می خورد و قبل از ایجاد بناهای نوساز مستحدثات این کوچه به ۳۱ باب می رسیده است.

۲۷. کوچه صاحب دیوان: چنان که گذشت بعضی همین کوچه علوی را به نام کوچه صاحب دیوان می شناسند. در بحث کوچه زرگرها توضیح بیشتری درباره کوچه مسجد صاحب دیوان و مسجد و آب انبار آن داده خواهد شد.

۲۸. کوچه صغیرها: بین کوچه امامزاده یحیی و کوچه حمام قراقانیها واقع شده است. شاخه دیگری از کوچه صغیرها انشعاب پیدا می کند و به کوچه چاپخانه متصل می گردد و آن هم به کوچه صغیرها مرسوم است. جمع مستحدثات شاخه اول ۹۰ باب است. در این کوچه مسجدی به نام مسجد کوچه صغیرها بنا شده و در کنار مسجد آب انباری به همین نام می توان ملاحظه نمود.

۲۹. کوچه عزت الدوله^۱: وقتی از خیابان سیروس (از میدان سرچشمه) به جنوب سرازیر می شویم چهارمین کوچه دست چپ ما کوچه عزت الدوله است. در شماره ۲۵ این کوچه گرمابه اقبال و در شماره ۱۹ آن دبستان دولتی دختران ایران نو قرار دارند. این دبستان در سال ۱۳۱۴ خورشیدی تأسیس شده است.

۳۰. کوچه عصمت السلطنه: کوچه باریکی است بین کوچه حمام قوام الدوله و کوچه میرزا محمود وزیر، در این کوچه ۲۴ باب خانه وجود دارد و تعداد درها در طرفین کوچه مساوی است.

۳۱. کوچه قوام حضور: اولین کوچه از سرچشمه به سمت خیابان جنوبی سیروس، در دست چپ، کوچه قوام حضور است. در ابتدای کوچه دست راست، یک کاروانسرای قدیمی را که رو به انهدام می رود می شود دید. این کاروانسرا که روزی به بازار سرچشمه باز می شده محل فروش بار میوه و محصول لواسانات و کیلون و دهات شمیران بوده است. کاروانسرای امین اقدس^۲ نام دارد که به زعم آقا میرزا محمد سرایدار فعلی، دختر مظفرالدین شاه یا ناصرالدین شاه بوده است. صاحب فعلی این کاروانسرا، اعتمادی نام دارد. علاوه بر کاروانسرا در این کوچه دفتر رسمی ازدواج ۳۰۹ و طلاق ۱۹ در شماره ۲۰ واقع شده است. دیگر از تأسیسات این کوچه گرمابه پولادی است که تابلو «گرمابه تمیز» در کنار شماره ۴۲ به چشم می خورد که اول صبحها مردانه و بعد تا شب زنانه است. جمع مستحدثات این کوچه ۴۴ باب است.

۱. در کوچه عزت الدوله ۴۶ باب مسکن وجود دارد.

۲. امین اقدس، یکی از همسران ناصرالدین شاه و عمه ملیجک بود.

۳۲. کوچه کریمی: بین کوچه آجودان‌باشی و کوچه حمام خشتی واقع است.

۳۳. کوچه لالی: بن‌بست و از انشعابات کوچه میرزا محمود وزیر است.

۳۴. کوچه ماست‌بندها: بین کوچه امامزاده یحیی و کوچه حمام خشتی است. در این کوچه ۳۷ مستحدث وجود دارد.

۳۵. کوچه مدرس: چون از انشعابات کوچه میرزا محمود وزیر است در شماره‌گذاری جزو همان کوچه به حساب آمده است.

۳۶. کوچه مسجد صاحب‌دیوان: بین کوچه زرگرا و بوذرجمهری نو واقع شده است. در این کوچه دبستان نویناد دولتی پسرانه یزدی و آموزشگاه دولتی اکابر نیز تأسیس شده است. در مورد وجه تسمیه این کوچه به مسجد صاحب‌دیوان در کوچه زرگرا توضیح بیشتری داده خواهد شد. در این کوچه ۳۵ مستحدث قرار دارد. این کوچه کوچه‌های فرعی دیگری نیز دارد.

۳۷. کوچه منوچهری: بین کوچه صغیرها و کوچه خزانه واقع شده و کوچه تنگ و باریکی است.

۳۸. کوچه مؤید احمدی: چهارمین کوچه دست چپ از میدان سرچشمه به سمت جنوب (در خیابان سیروس) کوچه مؤید احمدی است. دم کوچه (در خیابان سیروس) سقاخانه‌ای وجود دارد که فاقد آب آشامیدنی است و تنها شمع‌نذری در آنجا روشن می‌کنند. روی سنگی که شیر آب را در زیر آن کار گذاشته‌اند مطالب زیر کنده شده است:

«وقف مؤید شرعی نمودند سنگ سقاخانه و لوازم آن را جنابان حاج حسنعلی رزاز و کربلایی حیدر بر عامه شیعیان حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام. شهر رجب ۱۳۴۷». و با این حساب بیش از ۴۰ سال از عمر بنای این سقاخانه نمی‌گذرد. از کاشی‌کاریهای داخلی قسمتی ریخته است و روی کاشیهایی که هنوز پابرجا هستند ابیاتی از شعر معروفی که در بیشتر سقاخانه‌ها روی کاشی یا سیاهپوشها به چشم می‌خورد رقصی شده‌اند و از آن جمله با خط متوسط و غلطهای املائی:

[از آب هم مضایقه کردند اشقیا] خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

زان تشنگان هنوز بی‌وق می‌رسد - فریا العطش ز بیابان کربلا بودند دیو و دد همه
سیراب می‌مکید - خاطم! ز قحط آب سلیمان! کربلا گر چشم روزگار بر او فاش
می‌گریست - خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا

داروخانه سرچشمه در سمت دیگر کوچه قرار دارد. نزد اهل محل این کوچه به کوچه
ارسطو شهرت یافته و علت آن وجود منزل و مطب دکتر سید ارسطو خان علاج در شماره ۵۵

این کوچه است. دفتر اداره روزنامه صدای طبرستان در شماره ۵۷ این کوچه و آموزشگاه خیاطی نادر در شماره ۱۲ را می شود ذکر کرد. نمونه هایی از منازل قدیمی سبک دوره قاجاریه با هشتی مضاعف را در شماره های ۳۰، ۳۲ و ۳۴ این کوچه می توان مشاهده نمود. مجموع مستحدثات در این کوچه ۵۷ باب است.

۳۹. کوچه مهندس: بین خیابان ری و کوچه حمام قراقنیه است. شماره ۵۱ این کوچه منزل حاج شیخ عبدالله حایری است. این منزل محل اجتماع دراویش شاه نعمت اللهی سلطان علیشاهی گنابادی است. نگارنده در شب جمعه (پنجشنبه ۴ خرداد ۴۶) از این مجتمع دیدن نمود، در هشتی اندرونی یکی از دراویش کتب مربوط به عرفان و تصوف می فروخت و در کنار او عکاسی، عکسهایی از شیوخ به مشتریان خود عرضه می داشت. در اخل حیاط کوچکی عده ای در حال مصافحه بودند و در اطاق وسیعی که در قسمت شمال حیاط ساخته شده بود جمعی چهار زانو نشسته و در انتظار مصافحه و تقبیل با «شیخ عزتعلی» در لحظات پرهیجانی انتظار می کشیدند. جمع مستحدثات این کوچه به ۴۱ باب می رسد.

۴۰. کوچه زرگرها: این کوچه سابقاً از سیروس شروع و به کوچه امامزاده یحیی می رسیده است ولی امروز ابتدای کوچه را از جلو دبستان همامی (تکیه زرگرها) در کوچه امامزاده یحیی و انتهای کوچه را تا مسجد صاحب دیوان باید حساب کرد. متأسفانه این کوچه هم به میل و سلیقه یک یا چند نفر از اهل محل به کوچه علوی تغییر نام داده است و بنابراین دو کوچه علوی عمود بر هم خواهیم داشت ولی کوچه صاحب دیوان (یا شیرازی) که به علوی تبدیل یافته و دومی همین کوچه زرگرها. نام مسجد صاحب دیوان نیز از دست حوادث روزگار جان به در نبرده و در محل به مسجد علوی تغییر نام داده است. در حال حاضر در زنانه مسجد به این کوچه (زرگرها) باز می شود. در شماره ۵۰ این کوچه مسجد صاحب دیوان و کنار مسجد آب انباری است که بعد از لوله کشی شهر دری چوبی برای آن تهیه و ظاهراً برای همیشه آن را بسته اند. تکیه صاحب دیوان به شکل زمین بایر و خرابه ای در پشت مسجد و آب انبار عاطل و باطل افتاده است. نوشته سردر مسجد بانی خیر را معرفی می نماید:

در عهد دولت شاهنشاه صاحبقران السلطان بن السلطان بن الخاقان و الخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابوالمظفر ناصرالدین شاه قاجار خلدالله سلطانه بفرمایش جناب جلالتاب قواما للمجد و الاجلال میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان دام اقباله این مسجد بسعی سرکار مقرب الحضرة حبیب الله خان اتمام یافت فی سنه اثنتین بعد الالف و ثلثمانه.

و معلوم می شود که بنای این مسجد در اواخر عهد ناصرالدین شاه به اتمام رسیده است.

خود صاحب‌دیوان نیز در نمره ۸۳ جریده شرف سال ۱۳۰۸ هجری قمری به طور کامل معرفی شده است و از آن جمله:

«جناب جلالت‌ماب صاحب‌دیوان»

«جناب جلالت‌ماب میرزا فتح‌علی خان صاحب‌دیوان فرمانفرمای مملکت خراسان و سیستان و متولی‌باشی آستانه مقدسه رضویه ولد مرحوم حاجی قوام‌الملک...» جمع مستحذات در این کوچه به ۸۴ باب می‌رسد.

۴۱. **کوچه میرزا محمود وزیر:** از کوچه‌های اصلی این محله و بین خیابان امیرکبیر و کوچه حمام خشتی قرار گرفته است با ۱۸ انشعاب اصلی و کوچه‌های بن‌بست فرعی دیگر و دو سقاخانه و یک مدرسه و یک باب حمام.

یکی از سقاخانه‌ها در شماره ۱۶۶ واقع شده و به سقاخانه باب‌الحوائج معروف است، سقاخانه گذر عزت‌الدوله شناخته می‌شود. دبستان قآنی در شماره ۱۵۴ و حمام دلشاد در شماره ۱۷۱ قرار دارند.

۴۲. **کوچه مدرسی:** بین لالی و نصیرالدوله که در شماره‌گذاری جزو میرزا محمود به حساب آمده است.

۴۳. **کوچه نصیرالدوله:** بین کوچه میرزا محمود وزیر و کوچه حمام قوام‌الدوله دبیرستان دولتی بدر در شماره ۳۴ این کوچه واقع است. علاوه بر دبیرستان دبستانی نیز به نام «پرورش محمدی» پسرانه در این کوچه در سال ۱۳۲۵ شمسی تأسیس شده است. در شماره ۳۸ مسجد لواسانی در حدود ۷۰-۸۰ سال پیش ساخته شده و آقای لواسانی خلف آیت‌الله لواسانی بانی مسجد اکنون امامت جماعت را به عهده دارد. حمام عزت‌الدوله در نبش دیگر کوچه واقع است و نیز جنب حمام سقاخانه‌ای است که تصور می‌رود از آثار عزت‌الدوله باشد. جمع مستحذات این کوچه ۶۵ باب به شمار آمده است.

۴۴. **کوچه هوشیار:** یک سر این کوچه در خیابان سیروس و سر دیگر به کوچه میرزا محمود وزیر متصل می‌شده است. بعضی کوچه هوشیار را از بن‌بست‌های کوچه سادات می‌دانند، در هر حال این کوچه هرچه باشد و به هر کوچه دیگری اطلاق شود به کوچه پروفیسور شهاب تغییر نام داده است و پلاک بزرگی معرف این تغییر نام است. همین کوچه شهاب قبلاً از کوچه‌های سادات به شمار می‌آمده است. قبل از رسیدن به کوچه سادات (شمالی-جنوبی) کوچه نجات از این کوچه منشعب می‌شود و نیز کوچه فرعی دیگری. دو شماره‌گذاری این کوچه تا کوچه سادات حساب شده و به این ترتیب ۴۳ مستحذات پیدا کرده است.

۴۵. [کوچه شیخی‌ها]: ادامه کوچه پروفیسور شهاب از کوچه سادات تا کوچه میرزا محمود وزیر نزد اهل محل به کوچه شیخی‌ها مشهور است. به مناسبت آنکه در شماره ۲۰ این کوچه مسجد نوساز ناتمامی است که پیروان فرقه شیخیه در آن مسجد نماز می‌گذارند. جمع مستحدثات این کوچه اخیر ۲۴ باب است.

گذرهای عودلاجان

۱. گذر در مدرسه — در مشرق محله یهودیها.
۲. گذر عباس آباد — در شمال غربی باغ وزیر مختار انگلیس.
۳. گذر سید نصرالدین (ناصرالدین) — در شمال دروازه محمدیه.
۴. گذر باغ نظام الدوله — در شرق دروازه شمیران قدیم.
۵. گذر حمام خانم — در شمال غربی گذر دروازه دولاب.
۶. گذر حمام فیروزه — در جنوب گذر دروازه دولاب و مشرق کوچه وقایع نگار.
۷. گذر دروازه دولاب — نزدیک حصار قدیم طهران در مشرق دروازه دولاب قدیم.
۸. گذر زنبورک خانه — در جنوب تکیه خشتی.
۹. گذر لوطی صالح — در جنوب تکیه خداآفرین و جنوب شرقی گذر حمام چال.
۱۰. گذر شترگلو — در جنوب شرقی خندق و باروی ارگ. ظاهراً آبهای اضافی ارگ سلطانی را به بازارچه مروی می‌برده است.
۱۱. گذر در خوانگاه — در مغرب محله چال حصار.
۱۲. گذر حمام چال — در جنوب خانه نصیرالملک.
۱۳. گذر عربها — در شرق میدان مال فروشها.
۱۴. گذر بازارچه صندوقدار — در کنج جنوب غربی ارگ قدیم.
۱۵. گذر در حمام میرزا صالح در شمال شرقی تکیه سرپولک.
۱۶. گذر سرپولک در شمال غربی چاله میدان.
۱۷. گذر مسجد حوض در جنوب محله یهودیها.
۱۸. پای طوق دانگی در مشرق محله حیاط شاهی.